

تیم ملی فوتبال ایران تیم ملی آمریکا را شکست داد



در یکی از بزرگترین رویدادهای ورزشی، تیم ملی فوتبال ایران در شهر لیون فرانسه، ۲ بر یک تیم ملی آمریکا را شکست داد. پس از پیروزی تیم ملی کشورمان مردم به خیابان‌ها ریختند، پای کوبیدند و شادی کردند. بر حسب آخرین خبرهایی که از ایران به ما رسیده است پس از زمین سوت پایانی این دیدار توسط داور سوییسی در ساعت یک و پانزده دقیقه شب، ایرانی‌ها در هر کوی و برزن به خیابان‌ها ریختند و تا صبح شادمانی کردند. زنان و جوانان باز هم با رقصیدن و آواز خواندن به فرهنگ حکومتیان «نه» گفتند و به تلاش‌های برخی دستجات حزب‌اللهی که سعی داشتند با شعارهای «مرگ بر آمریکا» به غلیان شادی مردم رنگ فزاینده بدهند، وقعی ننهادند. خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در ساعات شادی و پایکوبی مردم در پیامی به ملت ایران ابراز داشت: امشب نیز یک بار دیگر ادامه در صفحه ۵

دشمنان آزادی تهاجم همه‌جانبه‌ای را آغاز کرده‌اند مجلس، وزیر کشور را برکنار کرد

● ۱۳۷ نفر از نمایندگان به استیضاح عبدالله نوری رای دادند
● به هنگام استیضاح، رئیس‌جمهور در مجلس حضور نیافت
● تاج‌زاده معاون نوری، سرپرست وزرات کشور شد



هواداران خامنه‌ای، پس از ماه‌ها مخالفت آشکار با وزیر کشور، عبدالله نوری «پایدارترین شخصیت» کابینه خاتمی را از وزارت کشور برکنار کردند. طرح استیضاح عبدالله نوری وزیر کشور، که از سوی ۳۱ نفر از نمایندگان جناح راست ارایه شده بود، روز یکشنبه ۳۱ خرداد در دو نوبت صبح و بعدازظهر بررسی شد و بعد از سخنان

مخالف و موافق و توضیحات عبدالله نوری، به رای گذاشته شد. از ۲۶۸ نفر نماینده‌ای که به هنگام رای‌گیری در مجلس حضور داشتند، ۱۳۷ نفر علیه وزیر کشور و ۱۱۷ نفر به نفع او رای دادند. رای ۱۱ نفر مستعجب بود و ۳ نفر نیز در رای‌گیری شرکت نکردند. بعد از رای‌گیری گروهی از نمایندگان این رای‌گیری را مخدوش اعلام کرده و خواهان رسیدگی مجدد شدند. جلسه استیضاح، با سخنان ناطق نوری رئیس‌مجلس و از سران جناح رسالت، آغاز شد. وی با قرائت نامه استیضاح کنندگان و اشاره به سابقه استیضاح برخی از وزرا در دوره‌های پیشین مجلس، به دفاع از استیضاح کنندگان پرداخت و با توجه به اعتبار خاتمی در میان مردم، گفت: هدف از استیضاح

وزیر کشور تضعیف دولت و ضربه زدن به آن نیست. از این شگرد روزنامه‌های کیهان، رسالت، جمهوری اسلامی و همه افراد و دستجات مخالف خاتمی، برای انحراف افکار عمومی، ایجاد شکاف در میان اعضای دولت و جلب نمایندگان به اصطلاح مستقل مجلس، به طور وسیعی استفاده کرده بودند. پس از ناطق نوری، ۶ نفر از نمایندگان موافق استیضاح سخنرانی کردند. تمرکز سخنرانی‌ها به ویژه در مورد حوادث نجف‌آباد و اصفهان و برخورد وزرات کشور با این حوادث بود. نمایندگان موافق استیضاح، عزل و نصب‌ها در وزرات کشور، دفاع نوری از شهردار تهران و ایجاد ناآرامی در کشور را دلایل استیضاح وزیر کشور اعلام کردند.

امتیاز روزنامه جامعه لغو شد

● جلائی‌پور مدیر مسئول این روزنامه به یک سال محرومیت از شغل مدیر مسئولی روزنامه‌ها محکوم شد
● انجمن صنفی مطبوعات: مطبوعات خود را با سلیق هیات منصفه هماهنگ سازند!

به دستور قوه قضاییه، امتیاز انتشار روزنامه «جامعه»، یکی از پرطرفدارترین روزنامه‌های کشور، که در بازتاب اعتراضات عمومی و افشای توطئه‌های سرکوب‌گرانه جناح مخالف خاتمی نقش مهمی داشت، لغو شد. حکم لغو امتیاز جامعه روز چهارشنبه ۲۰ خرداد توسط دادگاه عمومی صادر شد. شمس‌الواعظین سردبیر روزنامه جامعه در نخستین واکنش نسبت به حکم دادگاه اظهار داشت: «ما این رای را یک رای سیاسی می‌دانیم و نه یک رای حقوقی و حق قانونی خود می‌دانیم که خواهان تجدید نظر شویم.

دادگستری کل تهران که به دنبال صدور رای نهایی انتشار یافت، آمده است که دادگاه در مورد اتهام چاپ مطالب و مضامین و تصاویر خلاف عفت عمومی و با توجه به حجم وسیع این مطالب و اصرار مدیر مسئول روزنامه در ادامه آن، امتیاز روزنامه را لغو کرد. در این اطلاعیه همچنین آمده است: روزنامه جامعه «به اتهام توهمین و اهانت به رحیم مصطفیان، دادگستری کل تهران به ریاست حجت‌الاسلام رازی، مدیر کل قضایی سازمان زندان‌ها، ستاد مشترک سپاه پاسداران، چند تن از مدرسان حوزه علمیه و مدیر انتشاراتی شپاویز، در دو جلسه برگزار شد. دادگاه، علیرغم نظر اعضای هیات منصفه که با ادامه انتشار روزنامه جامعه مخالف نبودند، رای به لغو امتیاز روزنامه جامعه و محرومیت جلائی‌پور از فعالیت مطبوعاتی داد. ادامه در صفحه ۴

پاسخ چیست؟

برکناری عبدالله نوری، وزیر کشور دولت خاتمی، که با مجموعه دیگری از تعرضات جناح سرکوب‌گر حکومت، نظیر تعطیل روزنامه جامعه، همراه شده است، باید پایان همه امیدهایی باشد که در میان اصلاح‌طلبان ایران به مدارای این دشمنان قسم خورده آزادی، با سرکوب‌گران، به نابودی همه دستاوردهای دوم خرداد، از جمله دولت خاتمی برخاسته‌اند. تلاش بی‌سراجم دولت برای رسیدن تفاهم و توافق با مجلس، در جلسه شنبه شب پیش از استیضاح وزیر کشور، یک بار دیگر به روشنی نشان داد که طرفداران ولایت راه سازش را نیز بسته‌اند.

هنگامی که رحیم صفوی فرمانده سپاه پاسداران دو بار با سخنانی که هر کلمه آن از شمشیر و قمه تیز تر بود، به میدان آمد، این تصور در افکار عمومی ایجاد شد که جناح «ولایت» در جمهوری اسلامی برای نابود کردن دستاوردهای مردم از دوم خرداد ۱۳۷۶ بدین سو، به فکر راه انداختن یک حمام خون است و راه سرکوب مسلحانه را برای پیشبرد مقاصد خود در پیش گرفته است. با حوادث هفته‌های اخیر، مسلم شده است که آنان تنها به شمشیر رحیم صفوی‌ها متکی نیستند. تعرضات اخیر نشان می‌دهد که در کنار آن شمشیری که تیز می‌شود، قانون و نهادهای قانونی نیز به نحوی موثر به کار افتاده‌اند. بسیاری از جبهه‌های تهاجمی که جناح ولایت علیه دستاوردهای مردم گشوده است، در چارچوب قوانین موجود جمهوری اسلامی است: دادگاه مطبوعات، طبق قوانین مطبوعاتی ارتجاعی رژیم، رای به بستن جامعه داده است. اکثریت راست مجلس با استفاده از حق قانونی خود، عبدالله نوری را برکنار کرده است. به محاکمه کشیدن کرباسچی از رهبران حزب جدیدالتاسیس کارگزاران مطابق با قوانین قضایی جمهوری اسلامی صورت گرفته است. شکست‌خورده‌گان دوم خرداد، دریافته‌اند که نباید از شعار «قانون‌گرایی» خاتمی بپراسند. «قانون» و ارگان‌های قانون‌گذاری جمهوری اسلامی در جبهه آنهاست.

وقایع اخیر باید برای اصلاح‌طلبان درون حکومت، درسی باشد. آنها باید دریافته باشند که اکتفا کردن به شعار قانونیت و مدارا با دشمنان آزادی، نمی‌تواند آنها را از تعرض همه‌جانبه و هماهنگ شده جناح راست مصون نگه دارد. اگر خاتمی و طرفداران او در حکومت واقعاً در پی تحقق وعده‌های گشایش خود هستند، حتی اگر آنان به دوام و بقای خود می‌اندیشند، باید به جای واکنش‌های دفاعی در برابر تهاجم «قانونی» جناح راست و تن دادن به دیکتاتور قانونی حقوق مردم، خود ابتکار عمل را به دست گیرند. متأسفانه همه شواهد حاکی است که اصلاح‌طلبان حکومتی، چنین تصمیمی نگرفته‌اند. نه تنها خاتمی و دولت او در برابر رای توقیف روزنامه جامعه به اعتراضی در خور برخاسته‌اند، بلکه عطاءالله مهاجرانی وزیر ارشاد ظاهراً در هراس از دچار شدن به استیضاح و برکناری احتمالی، خود با حمله کنندگان به جامعه همراه شده است و این روزنامه را متهم به «حمله به انقلاب» کرده است. خاتمی که ادامه در صفحه ۴

اطلاعیه‌های شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)

- جناح ارتجاعی وزیر کشور را برکنار کرد
ما رئیس‌جمهور را به کنار گذاشتن سیاست سازش و مصالحه فرامی‌خوانیم
- دستاوردهای بزرگ قهرمانان فوتبال را شادباش می‌گوییم؛ دولت آقای خاتمی را به اقدام مؤثرتر برای عادی سازی مناسبات ایران و آمریکا فرامی‌خوانیم
- تهاجم ارتجاع به مطبوعات مستقل و منتقد؛ توقیف و لغو امتیاز روزنامه‌ی جامعه را محکوم می‌کنیم
- فراخوان برای دفاع از مطبوعات مستقل و منتقد

در صفحه ۲

وزیر خارجه آمریکا: آماده‌ایم راه‌های بهبود مناسبات با جمهوری اسلامی را بررسی کنیم

بین خود و تهران را جستجو کند و از جمهوری اسلامی ایران نیز انتظار دارد گام‌های مشابهی را

آسیا» در نیویورک سخنرانی می‌کرد، گفت: واشنگتن آماده است راه‌های تازه اعتماد متقابل

نگرانی‌های هر دو طرف را مورد توجه قرار دهد، آن‌گاه آمریکا می‌تواند دورنمای رابطه‌ای بسیار متفاوت را ببیند. وزیر امور خارجه آمریکا تاکید کرد: در حالی که دیوار بی‌اعتمادی فرو می‌ریزد، موقعی که ایران آماده باشد، آمریکا می‌تواند ادامه در صفحه ۵



گرامی‌یاد، ۸ تیر، روز شهیدای جنبش فدایی!

- ۸ تیر، روز جان‌باختگان جنبش فدایی
- حمید اشرف که بود؟
- روزی که آن قلب‌های سرخ از تپش باز ایستادند

صفحات ۶ و ۷

یادداشت

محدوده آزادی و موضوع خط سرخ

این روزها در ایران و در میان نیروها و شخصیت‌های مختلف سیاسی، اصطلاح «خط سرخ» بسیار به کار برده می‌شود و بحث پیرامون آن برجستگی یافته است. این خط، مرزی است که محدوده «آزادی» را ترسیم می‌کند و تخطی از آن بنابر مصالح حفظ نظام و یابۀ خاطر «شرایط و ملاحظات» جایز نیست. علت اینکه بحث پیرامون «خط سرخ» و «مرز تحمل» داغ شده است، قبل از هر چیز تدارکات و اقدامات جناح‌ها رژیتم است برای سرکوب مخالفین و متقدین در اشکال مختلف قانونی و غیرقانونی و تهدیدات آشکار ولایت فقیه است از زبان فرمانده سپاه پاسداران برای زبان و سر بریدن.

روزنامه جامعه‌پیش از همه به عبور از «خط سرخ» متهم شده است. جامعه در چارچوب سیاسی فکری معتقدین به نظام، در عرصه‌هایی از مرزها و حریم‌های نوشته و نانوخته اما سنت شده در جمهوری اسلامی گذشت و به طرح مسائل و مواردی پرداخت که دیدی فراج تر در مورد آزادی‌ها و نسبت به حد و مرزهای مورد تاکید در جمهوری اسلامی را نشان می‌داد. از جمله ویژگی‌های روزنامه جامعه که در جمهوری اسلامی تاکنون بی نظیر بوده است: دفاع از جامعه مدنی و برخی حقوق شهروندی، نام بردن و نوشتن از نیروها و افرادی که طرح آنان ممنوع است، مقابله با قلمه کشی‌های فرمانده سپاه، انتقاد از گفتار و کردار برخی روحانیون دارای نفوذ در جمهوری اسلامی و به قول خودشان «تقدس زدایی از استوانه‌های نظام» و انتقاد از رئیس جمهور و اصلاح‌طلبان درون حکومت به خاطر مباحثات با جناح مخالف.

به همان نسبت که روزنامه جامعه از مرزهای تعیین شده گذر کرد، از مقبولیت بیشتری در جامعه برخوردار شد و متقابلاً بیشتر مورد کین و حمله سرکوبگرانه حکومتگران قرار گرفت. تا آنجا که نام جریان سوم، جریانی بیرون از دو جناح حکومتی، بر آن نهاده شد و برای توقیفش به توطئه نشستند.

به موازات افزایش فشار بر نشریات مستقل و دانشجویان معترض، سخن از «حدود آزادی‌ها» و «خط سرخ» نیز، بانگیزه‌های متفاوت، فراوانی گرفت.

دکتر مهاجرانی، وزیر ارشاد کابینه خاتمی، در شرایطی که محاکمه مدیر مسئول آن در جریان بود و نمایندگانی، عبدالله نوری را استیضاح کردند، در مقاله‌ای در روزنامه اطلاعات، به روزنامه جامعه حمله کرد. وی نیز در زمینه عکس پیرزن و پیرمردی که جامعه چاپ کرده بود، خطوط محو بقایای طرحی از چهره بنی‌صدر را تشخیص داد و خطاب به سردبیر و مدیر مسئول جامعه نوشت: یا نفهمیدید و چاپ کردید که بی‌صلاحیتید و یا فهمیدید و چاپ کردید که علیه مردم و انقلاب هستید.

در سخنان بسیاری دولتمردان طرفدار خاتمی، غلظت انتقاد از هرج و مرج و سوءاستفاده از آزادی، به بیان دیگر گذر از «خط سرخ» افزایش یافته است.

دکتر سبحانی در مقاله‌ای در نشریه ایران فردا دانشجویان را به خاطر آشفته کردن اوضاع که اجازه حل مسائل اقتصادی را نمی‌دهد، مورد نکوهش قرار داده است.

دکتر یزدی دبیرکل نهضت آزادی در مطلبی در روزنامه جامعه بر موارد گذر از «خط سرخ» و وجود سوء استفاده‌هایی در این زمینه اشاره دارد. او مرز آزادی‌ها را در حد پذیرش نیروهای خارج حکومت اما معتقد به نظام جمهوری اسلامی محدود می‌کند.

مجاهدین انقلاب اسلامی و نشریه عصر ما نیروها را به خودی‌ها و غیر خودی‌ها تقسیم می‌کنند و تنها خودی‌ها را که، معتقدین به نظام و ولایت فقیه با قرائت‌های مختلف آن تعریف می‌کند؛ دارای حق فعالیت آزادانه سیاسی می‌دانند. روزنامه سلام و جریانات نزدیک به آن نیز در این زمینه مواضع مشابهی دارند.

روشن است یادآوری «خط سرخ» و برجسته شدن بحث پیرامون حدود آزادی‌ها از طرف نیروها و شخصیت‌های مختلف، با انگیزه‌های گوناگون صورت می‌گیرد اما همه آن‌ها دید و موضعی محدود نسبت به آزادی و گستره آن را به نمایش می‌گذارند. همه آنها از «آزادی‌ها» فقط تا آن حد که خود آن‌ها و حداکثر نیروهای کنار دستی‌شان را شامل شود، دفاع می‌کنند. در این میان، حتا برخی از نیروهایی اپوزیسیون نیز به نیابت از جمهوری اسلامی، التزام به قانون اساسی رژیتم را توصیه می‌کنند و آن را «خط سرخ» قابل درک و واقع‌گرایانه معرفی می‌کنند. برای برخی از این نیروها شکسته شدن حد و مرزها و عبور از خط ممنوعه بیشتر دل‌نگرانی ایجاد می‌کند تا پایداری شدن همه جانبه آزادی.

واقعیت این است که در تمام طول تاریخ معاصر ایران در همه دوره‌ها، در مقایسه با تاثیر استبداد و سرکوب آزادی‌ها، سوءاستفاده از آزادی کم‌ترین جا و تاثیر را داشته است. هر کس بنا بر هر مصلحت و انگیزه‌ای به ترسیم حد و مرز آزادی و کشیدن «خط سرخ» در همسایگی خود می‌پردازد، تنها خود را از قافله آزادی و آزادی‌خواهان به کنار می‌کشد. دفاع از حقوق و آزادی‌های انسانی حد و مرز نمی‌شناسد.

فرم درخواست اشتراک «کار»

اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک:
مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ:

نام:
نشانی:

Name:
Address:

فرم را همراه با پهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر) به آدرس «کار» پست کنید!

دانشجویان دفتر تحکیم وحدت:

تا آخر برای دفاع از دستاوردهای دوم خرداد ایستاده‌ایم!

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) جناح ارتجاعی وزیر کشور را برکنار کرد مار رئیس جمهور را به کنار گذاشتن سیاست سازش و مصالحه فرامی‌خوانیم

عبدالله نوری وزیر کشور، توسط نمایندگان وابسته به جناح ارتجاعی در مجلس شورای اسلامی، برکنار گردید. عبدالله نوری بازوی اصلی خاتمی در پیشبرد برنامه توسعه سیاسی کشور بود. رای عدم اعتماد اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی به عبدالله نوری، رای مخالفت جناح ارتجاعی و انحصارطلب به برنامه توسعه سیاسی خاتمی و یک رو در رویی آشکار و شدید با وی بود. جناح حاکم با این اقدام بار دیگر نشان داد که مخالف سرسخت گشایش فضای سیاسی کشور است.

برکناری وزیر کشور، یکی از اجزاء نقشه نیروهای ارتجاعی برای مصادره دستاوردهای دوم خرداد و یک سال اخیر است. آن‌ها به تهاجم همه جانبه‌ای روی آورده‌اند. یورش به مطبوعات مستقل و منتقد و تعطیل آن‌ها، حمله چماق‌داران به تظاهرات، تجمع‌ها و سخنرانی‌ها و محاکمه شهردار تهران، از جمله اقدامات هماهنگ آن‌هاست.

هم وطنان و نیروهای آزادی خواه!

تنها راه مقابله با تهاجم جناح ارتجاعی، ایستادگی و مقاومت است. ما تمام نیروهای آزادی خواه را فرا می‌خوانیم که توطئه نیروهای ارتجاعی را افشا کنند، در اتحاد با یک دیگر به اقدامات هماهنگ علیه جناح ارتجاعی برخیزند. ما خاتمی را فرامی‌خوانیم که سیاست سازش و توافق با جناح حاکم را کنار بگذارد، مردم را در جریان نقشه‌های جناح حاکم بگذارد و آن‌ها را برای عقب نشینی تهاجم ارتجاع به صحنه سیاسی فرا خواند. جناح حاکم هر آن جاکه می‌تواند برای پیشبرد برنامه هایش وارد میدان می‌شود و با تمام خشونت و بی‌رحمی به نیروهای اصلاح طلب ضربه وارد می‌آورد. تداوم سیاست سازش و عدم برخورد قاطع با اقدامات نیروهای ارتجاعی و عدم تکیه به مردم، ضربات کاری به جنبش اصلاح طلبانه و آزادی‌خواه کشور وارد خواهد آورد که جبران‌ناپذیر خواهد بود. باید حساسیت شرایط کنونی را دریافت و مردم را به دفاع از آزادی‌های سیاسی کشور فرا خواند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - ۳۱ خرداد ۱۳۷۷

پیام شورای مرکزی فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دستاوردهای بزرگ قهرمانان

فوتبال را شادباش می‌گوییم

دولت آقای خاتمی را

به اقدام مؤثرتر برای عادی

سازی مناسبات ایران و آمریکا

فرامی‌خوانیم

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با خرسندی بسیار موفقیت بزرگ تیم‌های فوتبال ایران و آمریکا را در گسترش فضای دوستانه بین دو کشور شادباش می‌گوید، و به بازیگران قهرمان ایران، مربی تیم ایران و همه کسانی که در این نمایش دوستی مؤثر بوده‌اند درود می‌فرستد.

بی‌گمان در این پرپیامدترین مسابقه جام جهانی فوتبال، هردو تیم و هردو ملت ایران و آمریکا به یک سان موفقیت بدست آورده و توانسته‌اند پیام صلح و مسالمت خویش را هرچه رساتر اعلام کنند. خوشبختانه رؤسای دو دولت ایران و آمریکا نیز در گسترش این فضا تاثیر مثبت برجای گذاشتند و زمینه‌های جدیدی برای تسریع بهسازی مناسبات دو کشور بدست داده‌اند. پیام رئیس جمهور آمریکا آقای بیل کلینتون، پیام دوستانه‌ای است حاوی دعوت برای برداشتن گامهای بیشتر و سریع‌تری در بازسازی مناسبات دو کشور. منافع مردم ایران ایجاب می‌کند که از مجموع شرایط پدید آمده برای عادی سازی هرچه سریع‌تر مناسبات دو کشور بهره‌گیری شود. دولت آقای خاتمی تاکنون نشان داده است که آماده است در سمت عادی سازی مناسبات دو کشور گامهای مهم‌تری به جلو بردارد. منافع ایران ایجاب می‌کند که این سمت گیری بدون تعلل به اقدامات قطعی برای پایان دادن به تنش و وضعیت غیرعادی در مناسبات دو کشور منتهی گردد. تلاشهای نیروهای تنش آفرین وابسته به جناح راست باید با قاطعیت خنثی گردد و دست نهادها و عناصر غیر مسئول در تخریب مناسبات ایران با دیگر کشورهای جهان کوتاه گردد. شک نیست که دولت آمریکا و دیگر قدرتهای بزرگ جهانی می‌کوشند تا مناسبات ناعادلانه‌ای را به دیگر کشورهای جهان، از آن جمله ایران، تحمیل کنند. ایران در برابر این تلاشها باید قاطعانه بایستد و منافع خود را با هویشاری و درایت از دست‌اندازی قدرتهای جهانی مصون بدارد. اما چنین خواستی به هیچ وجه نمی‌تواند دستاویز کسانی برای متفرد کردن ایران و به ستیز واداشتن آن با دیگر کشورها گردد. دفاع قاطعانه از منافع ملی و مردمی ما باید با اراده استوار برای گسترش مناسبات مسالمت‌آمیز با همه کشورهای جهان همراه گردد.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با شادباش مجدد به خاطر دستاوردهای بزرگ قهرمانان ورزشی کشورمان، از دولت آقای خاتمی می‌خواهد تا در این شرایط مساعد برای عادی سازی هرچه سریع‌تر مناسبات دو کشور اقدام کند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - ۳۱ خردادماه ۱۳۷۷

انظامی و گروه‌های فشار که تجمعات قانونی را به هم می‌زنند سوال نمی‌کنند و در برابر آن‌ها سخنی نمی‌گویند؟ سعیدی گفت: ما به عنوان نماینده بخش عظیمی از جنبش دانشجویی ایران اعلام می‌کنیم تا آخر از دستاوردهای دوم خرداد پاسداری خواهیم کرد و جنبش دانشجویی به سادگی از این دستاورد نخواهد گذشت و تا آخر در برابر هجمه‌ها خواهد ایستاد.

سراج‌الدین میردامادی عضو دیگر شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت، حملات گروه‌های فشار علیه آزادی قلم و بیان را مورد انتقاد قرار داد. وی گفت: مطبوعات به عنوان رکن چهارم جمهوری مورد توجه جنبش دانشجویی بوده و می‌باشد و اساسا یکی از خواسته‌های مردم در حماسه دوم خرداد ایجاد فضای باز و آسانی برای انسدیدن، فرسختگان و روشننگران بوده است. به

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تهاجم ارتجاع به مطبوعات مستقل و منتقد توقیف و لغو امتیاز روزنامه جامعه را محکوم می‌کنیم

روزنامه‌ی جامعه توقیف و امتیاز آن لغو گردید و مدیر مسئول آن به یک سال محرومیت از صاحب امتیازی و مدیر مسئولی هر نشریه و پرداخت جریمه محکوم گردید. توقیف روزنامه و لغو امتیاز آن بر اثر شکایات ارگان‌های وابسته به جناح حاکم و به‌ویژه شکایت فرمانده سپاه پاسداران صورت گرفت. روزنامه‌ی جامعه علیه سخنان فرمانده سپاه که گفته بود زبان مخالفین را می‌بریم و گردن آن‌ها را می‌زنیم، موضع‌گیری قاطع داشت و مقالات متعددی در این زمینه چاپ کرده بود.

روزنامه‌ی جامعه اولین روزنامه‌ی مستقل از حکومت و جناح‌های وابسته به آن از سال ۶۰ به این سو بود. این روزنامه در طول حیات چند ماهه‌اش سرریا در بین مردم طرفدار پیدا کرد و مورد استقبال نیروهای آزادی‌خواه قرار گرفت. روزنامه‌ی جامعه در بازتاب اخبار و گزارش‌ها، در مصاحبه با افراد مخالف، در افشاگری علیه اقدامات ارتجاعی جناح حاکم برخورد جسورانه داشت و به همین خاطر خشم نیروهای ارتجاعی را برانگیخت.

جناح ارتجاعی حکومت که مطبوعات مستقل و منتقد را سد پیشبرد مقاصد شوم خود می‌بیند، برنامه‌های متعددی برای خنثا و تعطیل کردن آنها تدارک دیده است. توقیف روزنامه‌ی جامعه و لغو امتیاز آن در گام نخست برنامه‌ی آن‌ها قرار داشت. آن‌ها به هر قیمتی می‌خواستند این روزنامه‌ی مستقل را تعطیل کنند. ما توقیف و لغو امتیاز روزنامه‌ی جامعه را محکوم می‌کنیم و از نیروهای آزادی‌خواه کشور می‌خواهیم که علیه این اقدام ارتجاعی اعتراض کنند و به حمایت از مطبوعات مستقل و منتقد برخیزند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - ۲۱ خرداد ماه ۱۳۷۷

اعلامیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

فراخوان برای دفاع از مطبوعات مستقل و منتقد

فشار بر مطبوعات مستقل و منتقد از جانب جناح ارتجاعی و انحصارطلب مرتباً افزایش می‌یابد. روزنامه‌ی جامعه توقیف و امتیاز آن لغو گردید و مدیر مسئول آن به یک سال محرومیت از مدیریت روزنامه و پرداخت جریمه محکوم گردید. روزنامه‌ی جدیدالتاسیس گزارش روز که در شماره‌ی پرپرور گزارشی از غارت بیت‌المال و خروج پول به خارج از کشور توسط مقامات حکومت اسلامی درج کرده بود منتشر نشد. هفته‌ی گذشته موسوی خوئینی‌ها مدیر مسئول روزنامه‌ی سلام به‌جهت نقد سخنان فرمانده سپاه پاسداران به دادگاه ویژه‌ی روحانیت احضار گردید. در تریبون‌های نماز جمعه و در مطبوعات وابسته به جناح حاکم، حملات به مطبوعات مستقل و منتقد شدت گرفته است. یزدی رئیس قوه قضائیه در نماز جمعه‌ی هفته‌ی قبل مطبوعات را تهدید کرد. رحیم صفوی فرمانده سپاه پاسداران می‌گوید که این روزها، روزنامه‌هایی چاپ می‌شوند که امنیت ملی کشور را به خطر انداخته‌اند.

نیروهای ارتجاعی از درج اخبار و گزارش‌ها، طرح نظرات و انتقادات و افشاء نقشه‌های توطئه‌گران در این مطبوعات به هراس افتاده‌اند. در شرایط کنونی مطبوعات مستقل و منتقد نقش بس مهمی را در مبارزه‌ی جاری در صحنه‌ی سیاسی کشور بازی می‌کنند. این مطبوعات در سنگر مقدم مبارزه علیه نیروهای ارتجاعی قرار دارند. آنها از سد سانسور حکومت اسلامی گذشته، بخشی از اخبار و گزارش‌هایی را که تاکنون با عنوان «محرمانه» از مردم پنهان نگه‌داشته می‌شدند، در اختیار همگان می‌گذارند. اعتراضات و خواست‌های دانشجویان، کارگران و سایر نیروهای اجتماعی را بازتاب می‌دهند، اقدامات و سیاست‌های ارتجاعی را به نقد می‌کشند، نقشی سران جناح انحصار را در مواردی بهم می‌ریزند و از آزادی‌های سیاسی و فرهنگی و جامعه‌ی مدنی دفاع می‌کنند.

نیروهای آزادی‌خواه کشور!

اکنون به تعطیل‌کنندگان مطبوعات مستقل و منتقد هدف مقدم نیروهای ارتجاعی است. مطبوعات خاکریز اول است. آنها می‌خواهند نیروهای آزادی‌خواه و اصلاح‌طلب کشور را از ابزار مؤثر و کارای مطبوعات در دفاع از آزادی‌های سیاسی و فرهنگی و افشاء نقشه‌های ارتجاعی محروم سازند و سنگر مطبوعات را که سرسختانه در مقابل ارتجاع ایستاده است، تسخیر کنند تا راه برای پیاده کردن بعدی نقشه‌های آن‌ها هموار گردد. امروز حفظ سنگر مطبوعات برای جنبش آزادی‌خواهانه‌ی کشور از اهمیت جدی برخوردار است. ما تمام نیروهای آزادی‌خواه در داخل و خارج از کشور و محافل مترقی بین‌المللی را به دفاع از مطبوعات مستقل و منتقد و لغو کامل سانسور فرامی‌خوانیم.

به نظر ما باید نقشه‌های ارتجاع را برای تعطیل مطبوعات مستقل و منتقد افشاء کرد، نسبت به کشاندن مدیران مطبوعات به دادگاه‌ها و محکومیت آنها اعتراض نمود، حمایت محافل مترقی بین‌المللی را نسبت به این‌گونه مطبوعات جلب کرد، در دفاع از آنها و اعتراض به اقدامات جناح ارتجاعی گردهمایی‌های مختلف تشکیل داد و خواستار رفع اعمال فشارها گردید.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - ۲۰ خردادماه ۱۳۷۷

بهای نفت ایران به زیر ۹ دلار رسید!

بهای نفت در روز دوشنبه ۲۵ خرداد (۱۵ ژوئن) به پایین‌ترین سطح در ۱۲ ساله گذشته سقوط کرد. به نوشته روزنامه وال استریت ژورنال نفت ایران در این روز به قیمت ۹ دلار و ۴۳ سنت به فروش رفته است. نفت برنت در این روز ۱۱/۰۱ سنت به فروش رسید. این قیمت‌ها بعد از قیمت‌های سال ۱۹۸۶، پایین‌ترین قیمت نفت در ۱۲ ساله اخیر بوده است. چشم‌انداز عرضه نفت عراق به بازارهای جهانی، یکی از علل کاهش قیمت‌ها عنوان شده است. بعد از آن که «ریچارد باتلر» رئیس کمیسیون ویژه خلع سلاح عراق اعلام کرد ممکن است تحریم‌های این کشور تا دو ماه دیگر پایان یابد، قیمت‌ها با شتاب بیشتری رو به کاهش گذاشت. قیمت‌های نفت از اکتبر سال گذشته تاکنون در صد سقوط کرده‌اند و پیش‌بینی می‌شود چنان که از حجم تولید کاسته نشود، این کاهش تا زیر ۱۰ دلار ادامه پیدا کند.

در حالی که خبرگزاری جمهوری اسلامی در روزهای پایانی هفته گذشته، از افزایش اندکی در قیمت نفت خبر داد، اما نفت ایران همچنان زیر ۱۰ دلار به فروش می‌رسد. به گزارش این خبرگزاری، نفت سبک ایران در روز سه‌شنبه ۹/۶۵ دلار به فروش رفت. قیمت نفت سبک ایران در سال گذشته در همین ماه ۱۶/۰۴ دلار بوده است. در حالی که محاسبات مربوط به بودجه سال ۷۷ بر پایه همین قیمت صورت گرفته است، اکنون در حالی که تنها ۳ ماه از سال گذشته است، دولت با کسر بودجه عظیمی در همه زمینه‌ها مواجه شده است و رکود و بحران همه بخش‌های اقتصادی و فعالیت‌های تولیدی را در بر گرفته است. کارشناسان می‌گویند که نمی‌تواند این بودجه تحقق خواهد یافت. برای مقابله با کاهش تازه قیمت‌ها، اوپک قرار است به زودی اجلاس ویژه‌ای تشکیل دهد، اما اعضای اوپک هنوز قادر نشده‌اند به راه حل مشترک و مورد توافقی در زمینه مقابله با

دادگاه کرباسچی بن‌بست نظام قضایی اسلامی را آشکارتر کرد

سومین جلسه محاکمه کرباسچی شهردار تعلیقی تهران برگزار شد. کرباسچی در جلسه سوم دادگاه نیز اتهامات وارده در نیمه‌های ماه جاری از تهران بازدید کرد، اما این بازدید به نتایج قابل توجهی نیانجامید. جمهوری اسلامی در ماه‌های اخیر از طریق اعزام دو هیئت بلند پایه که در راس یکی هاشمی رفسنجانی قرار داشت، کوشید عربستان را به برخی اقدامات مشترک در زمینه مقابله با کاهش بهای نفت ترغیب کند، اما چنین به نظر می‌رسد که این تلاش به نتیجه‌ای نرسیده است. در همان زمان که وزیر نفت عربستان در تهران بود، برخی مطبوعات حکومتی و از جمله روزنامه جمهوری اسلامی، «اقدامات تک روانه» این کشور را مورد انتقادات تند قرار دادند. روزنامه‌های تهران بر این اساس حقیقت انگشت‌نما کرده‌اند که عربستان عملاً سیاستی تک روانه در پیش گرفته و آن را بر اوپک نیز تحمیل می‌کند. عربستان پیش از فرستادن وزیر نفت خود به تهران، توافقی تازداری با ونزوئلا و مکزیک در زمینه کاهش تولید نفت صورت داد. ماه پیش نیز این کشور به اقدامی مشابه دست زد و یک کاهش تولید را مطابق اهداف خویش بر کشورهای اوپک تحمیل کرد.

اقدامات عربستان و برخی دیگر از کشورهای عربی صاحب نفت، اوپک را بیشتر از هر زمان در مقابله دسته جمعی با سقوط قیمت‌ها ناتوان ساخته است و نقش این سازمان را در مقابله با سقوط قیمت‌ها کاهش داده است. کارشناسان نفتی در تهران می‌گویند که تصمیم نادرست اجلاس جاکارتا در سال گذشته، که باعث افزایش تولید روزانه اوپک به میزان ۲/۵ میلیون بشکه شد، از عمده‌ترین عواملی است که بحران بسی سابقه قیمت‌های اخیر را موجب شده است و بدون تصحیح این تصمیم اوپک قادر به مقابله با روند کاهش قیمت‌ها نخواهد بود. □

طرح کمک‌رسانی دولت به خانواده‌های کم‌درآمد

هفته گذشته روزنامه‌ها جزئیات برنامه دولت برای کمک به قدرت خرید و بهبود معیشت و بیمه درمانی کم‌درآمدترین افراد جامعه را منتشر کردند. براساس این برنامه ۱۰ درصد جمعیت کشور که از کمترین درآمد سرانه برخوردارند تحت پوشش کمک‌های مستقیم دولت قرار خواهند گرفت. زنان بی‌سرپرست و سرپرست خانواده و کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست، سالمندان روستایی، خانواده‌های نیازمند زندانیان، آسیب‌دیدگان کلی از حوادث و سوانح، اقشاری هستند که در برنامه از آنان به عنوان جمعیت نیازمند کمک دولت یاد شده است. یعنی دولت یساز شده است. اعضای خانواده‌هایی که درآمد اعضای آن در روستاها و شهرها بیشتر از ۵ تا ۷ هزار تومان در ماه باشد مشمول کمک دولت نخواهند بود. از اقدامات حمایتی سازمان بهزیستی و کمیته امداد خمینی، خانواده‌هایی برخوردار خواهند شد که درآمد سالانه آنان کمتر از ۷۰ درصد سقف تعیین شده باشد. خانواده‌هایی که درآمد سالانه آنان ۹۰ درصد سقف تعیین شده در سال باشد، فقط تحت پوشش حمایت‌های خدمات درمانی در نظام بیمه‌ای قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر به خانواده‌ای که درآمد سرانه آن بیش از ۴۵ هزار تومان در سال باشد، از

جمهوری اسلامی پرداخت و اظهار داشت: رسانه‌های خارجی به نظام قضایی ما یک مرحله‌ای است. ما دادستان، دادیار و دادسرا نداریم، از بدو امر، پرونده در محکمه نزد قاضی مطرح می‌شود و تا پایان کار دادگاه، قاضی در این خصوص رسیدگی می‌کند. نگاهی به سیر دادگاه کرباسچی هم خلاف ادعای محسنی اژدهای، باز این نظر را تایید کرد که در دادگاه‌های جمهوری اسلامی رییس دادگاه، نقش دادستان را ایفا می‌کند و نقش قاضی که قاعدتاً نقش بی‌طرف و مجری عدالت است، در این دادگاه‌ها معنا ندارد است.

مردم هم همانگونه که در مطبوعات داخلی نیز انعکاس یافته است بر همین نکته دست می‌گذارند و می‌گویند وقتی با یکی از «خودی‌ها»، رییس دادگاه این چنین برخورد می‌کند تکلیف دیگران در سیستم قضایی جمهوری اسلامی روشن است. □

مدیر مسئول نشریه زنان هم به دادگاه فرآخته شد

مجله زنان را به خاطر مقاله «فمینیسم در ایران در جست و جوی چیست؟» به چاپ و انتشار مطالب خلاف عفت عمومی متهم کرد. رضا رسولی در دادگاه قسمتی از آن مقاله را خواند که در آن آمده است: «همجنس‌گرایی زاینده جنبش فمینیستی نیست، کشش میان دو همجنس، همواره بخشی از رفتار جنسی بوده است». او گفت: «چرا می‌خواهند این عادت زشت، این رفتار وقیح و این حس شرم‌آور

در ادامه فشارهای فزاینده به مطبوعات، شهلا شرکت، مدیر مسئول مجله زنان نیز به دلیل دو شکایت به دادگاه فرآ خوانده شد. شاکتی اول، نیروی انتظامی بود که گزارش این مجله در مورد «مشکلات زنان در کنار دریا» را توهین و افترا به نیروی انتظامی می‌دانست. در این گزارش دختر جوانی برخوردهای ضد انسانی مامورین انتظامی با زنان را در کنار دریا، شرح داده بود. شاکتی دوم رضا رسولی، مدیر مسئول

بیست سال پس از استقرار جمهوری اسلامی!

● در هفته گذشته، دو نفر در تبریز اقدام به خودکشی در منظر عمومی کردند. گزارش خبرنگار «جهت اطلاع» از تبریز حاکی است، این دو اقدام که در تاریخ‌های ۱۰ و ۱۲ خرداد ماه صورت گرفته، ناشی از فقر بوده است.

روزنامه جمهوری اسلامی - ۱۹ خرداد ۱۳۷۷

● چهار دختر یک خانواده در یکی از روستاهای داراب، با پاشیدن نفت به روی خود، اقدام به خودکشی کردند. این ۴ خواهر ۱۹ ساله، ۱۷ ساله، ۱۵ ساله و ۱۲ ساله بودند و پدر خود را از دست داده بودند. سه نفر از این دخترها جان باختند و حال یکی از آن‌ها وخیم است. گفته می‌شود علت خودکشی فقر بوده است.

روزنامه جمهوری اسلامی - ۲۶ خرداد ۱۳۷۷

پاسخی به سرکوب‌گران معجزه «گفتن»!

می‌گیرد و از همین روست که ما را به مبارزه مسلحانه متهم می‌سازند تا در میان کسانی که هنوز گوش به حرف آنان دارند و مردمی که به دلیل سانسور و سرکوب شدید، امکان آشنایی مستقیم با مواضع ما را ندارند، چنین تبلیغ کنند که فدائیان از مبارزه مسلحانه پیروی می‌کنند. ما بارها گفته‌ایم و باز هم می‌گوییم که ما از مبارزه سیاسی مسالمت‌آمیز جانبداری می‌کنیم و بر این اساس خواهان فعالیت سیاسی آزادانه در کشور هستیم. بسیار تاسف‌انگیز است که به جای آن که نیروهای اصلاح طلبی که خود را طرفدار «توسعه سیاسی» می‌دانند به این خواست ما و بسیاری دیگر از احزاب پاسخ دهند، هنوز میدان را در اختیار نویسندگان آزادی‌کش روزنامه رسالت قرار داده‌اند که به نام «نظام» سخن گویند!

۲. اگر رسالت تازه یک سالی است که واژه‌هایی مانند «جامعه مدنی» را به گوش شنیده و در این یک سال نیز از هیچ توطئه‌ای علیه آن دریغ نکرده است، سازمان ما سال‌هاست که برای برقراری آزادی‌های سیاسی، آزادی احزاب و مطبوعات، آزادی بیان و قلم و سایر آزادی‌های مردم مبارزه کرده است. هدف ما جز استقرار دموکراسی در کشور و ایجاد یک جمهوری دموکراتیک، نبوده و نیست.

۳. «نظام» در گرفتن «رد پای» ما و دادن «پاسخ مناسب» تا به حال از چیزی و کاری دریغ نکرده است. همین اینک ما در آستانه دهمین سال‌گرد فاجعه ملی هستیم. فاجعه‌ای که در جریان آن صدها تن از زندانیان سیاسی و از جمله بیش از صد تن از اعضای سازمان ما به جوخه‌های اعدام سپرده شده و تیرباران شدند. این جنایت، هر چند یکی از بزرگ‌ترین جنایات علیه سازمان ما بود، اما تنها جنایت نبود. در تمام سال‌های حاکمیت آقایان، اعضای سازمان ما را تعقیب کرده‌اند، دستگیر و شکنجه کرده‌اند، قتل رسانده و یا روانه تبعید ساخته‌اند. آقایان انبارلویی و مسئولین روزنامه رسالت می‌توانند

روزنامه رسالت در سرمقاله روز دوشنبه ۱۸ خرداد ماه خود به نام «گفتن!»، ضمن «نقد» مواضع سازمان ما، از «نظام و مردم» خواسته است که «پاسخ مناسب» را به فدائیان بدهند و صدای مطبوعاتی را که حرف‌های آنان را تکرار می‌کنند، خاموش سازند!

این روزنامه یا اشاره به مصاحبه‌ای از رفیق فرخ نگیندار، پارادایم آمریکا، مدعی شده است «سازمان به اصطلاح چریک‌های فدایی خلق ایران» معتقد به «مشئ مسلحانه مبتنی بر مبارک‌سیم» است و ابراز شگفتی کرده است که: «یک گروه معتقد به مشئ مسلحانه به جامعه مدنی روی آورده است».

رسالت نوشته است: «باید دید در این «گفتن!» چه معجزه‌ای خوابیده است که دست‌ها را از فشردن بر قبضه تفنگ‌ها باز داشته و انگشت را از گذاشتن بر ماشه منصرف کرده است؟»

رسالت نتیجه گرفته است:

«حال که تفنگ‌داران دیروز در ظاهر سلاح بر زمین گذاشته و به قول خودشان به «گفتن»، «گفتن» و «گفتن» روی آورده‌اند و حرف خود را از طریق شماری از روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌ها القا می‌کنند، چرا نظام و مردم رد پای آنان را نگیندار و پاسخ مناسب ندهند؟»

۱. بسیار بعید است که سردمداران این روزنامه که روابط تنگاتنگی با وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی و کسانی مانند رحیم صفوی‌ها، که به گفته خود مشغول پرونده جمع کردن علیه مخالفین هستند، دارند؛ ندانند که سازمان ما یک سازمان چریکی نیست و مبارزه مسلحانه نمی‌کند. آقای کاظم انبارلویی، نویسنده این مقاله و دیگر همکارانش این را به خوبی می‌دانند و می‌دانند که نه ما، بلکه آقای رحیم صفوی‌ها و دیگر دوستان آنان هستند که مشغول «تدارک مسلحانه» علیه آزادی‌ها و حقوق مشروع مردم می‌باشند. اما آن‌ها علیرغم این دروغ می‌گویند تا نتایجی را که می‌خواهند، بگیرند.

رسالت‌ها این را نیز می‌دانند که سازمان ما خواهان فعالیت آزادانه در کشور است و این را از رئیس جمهور نیز خواسته است. آنان می‌دانند که ما در این فعالیت بر یکبار سیاسی مسالمت‌آمیز تکیه داریم و این را نیز می‌دانند که خواست آزادی احزاب در ایران دم به دم نیروی بیشتری

سردبیر روزنامه گزارش روز بازداشت شد

محمد آقازاده، سردبیر روزنامه «گزارش روز» روز یکشنبه ۲۴ خرداد ماه دستگیر شد. آقازاده را به مجتمع قضایی پهنی تهران احضار کرده و در آنجا او را بازداشت کردند. بازداشت سردبیر این روزنامه تنها چند روز بعد از آزادی مدیر مسئول آن صورت گرفت.

روز سه‌شنبه ۱۹ خرداد ماه، هیات نظارت بر مطبوعات با شرکت عطاالله مهاجرانی، وزیر ارشاد و سایر اعضای آن، پرونده این روزنامه را به دلیل «تخلقات متعدد» به دادگستری تهران فرستاده بود. هیات نظارت بر مطبوعات در جلسه خود، از «بی‌توجهی» و «بی‌مسئولیتی» روزنامه گزارش روز به ویژه در زمینه «درج طرح و تیتیر ناصواب» و انتشار شایعه «شیدا ابراز تاسف» کرد. این روزنامه در روز سه‌شنبه عنوان: «مقام‌های ایرانی پول‌ها را از کشور خارج می‌کنند» را به

عنوان تیتیر اصلی خود برگزید و این تیتیر موجب شد تا پرونده این روزنامه راهی دادگاه شود.

مهدوی خرمی، مدیر مسئول گزارش روز اعلام کرد که به احترام نظر هیئت منصفه، او تا روشن شدن حکم دادگاه، روزنامه را منتشر نمی‌کند، اما دو روز بعد از جلسه هیات نظارت، دادگستری تهران وی را بازداشت کرد. دادگستری تهران علت بازداشت خرمی را عدم حضور او در دادگاه عنوان کرد.

مدیر مسئول این روزنامه بعد از چند روز از بازداشت آزاد شد و به جای او سردبیر روزنامه دستگیر گردید. در حالی که هنوز در مورد دلایل دستگیری سردبیر گزارش روز اطلاع دقیقی منتشر نشده است، نزدیکان وی از انجمن صنفی مطبوعات خواسته‌اند که برای آزادی وی اقدام کند، اما این انجمن نیز هنوز اقدامی رسمی در این مورد صورت نداده است. □

خاطر جمع باشند که هم‌اکنون نیز یار غار و متحد و دوست نزدیک آنان آقای رحیم صفوی به این «رسالت» ادامه می‌دهد. از این بابت جای نگرانی برای آنان نیست. اما مردم مردم پاسخ مناسب را داده‌اند، نه به ما که به نویسندگانی که در رسالت قلم می‌زنند. دوم خرداد پاسخ مردم به این یاره‌سرای‌ها و قلدر منشی‌ها بود. مردم در دوم خرداد، همه آن چیزهایی را نفی کردند که رسالت کمر به دفاع از آنان بسته است. مردم دیکتاتوری، انحصار، سرکوب، دروغ‌پردازی و سلب حق حیات و فعالیت مخالفین را رد کردند. رسالت ظاهراً هنوز متوجه آن چه مردم می‌خواهند نشده است و به بیان درست‌تر نمی‌خواهد بشود. مانعی نیست، مردم فرصت‌هایی دیگری را پیدا خواهند کرد که به آقایان حالی کنند که دوران دیکتاتوری و سرکوب سپری گردیده است.

اما آقایان هدف عاجل دیگری هم در سر دارند. رسالت از همه تهدیدها و دروغ‌پردازی‌های خود چنین نتیجه گرفته است:

«آن چه این روزها در دادگاه مطبوعات پی‌گیری می‌شود، تلاش مقدسی است تا مرز واقعی آزادی و اختناق مطبوعاتی تمیز داده شود. نباید اجازه داد کسانی که دیروز با تفنگ با مردم سخن می‌گفتند، امروز از طریق قلم، همان حرف‌ها را تکرار کنند».

رسالت خود به معجزه «گفتن» آگاه است و می‌داند که با گفتن و باز هم گفتن، دست‌های رحیم صفوی‌ها بر قبضه تفنگ‌ها خواهد خشکید و انگشت‌های «سردار سپاه» بر ماشه خواهد لرزید، پس کمر به آن بسته است تا آنان را که می‌گویند، از «گفتن» باز دارد. آن «تلاش مقدسی» که رسالت از آن سخن می‌گوید، خفه کردن صدای مطبوعات مستقل و ضد انحصار در ایران است. رسالت زمینه را چنین می‌چیند که هر آن کس را که امروز در مطبوعات ایران از آزادی و جامعه مدنی و حقوق مردم سخن می‌گوید، به تکرار حرف‌های «گروه‌های غیر قانونی مسلح» نظیر فداییان متهم سازد و آن‌ها را از «گفتن» باز دارد. فداییان همواره از آزادی و حقوق مردم سخن گفته‌اند، اما سخن آزادی تنها سخن آنان نیست، سخن ملتی است که امروز به پا خواسته است تا بساط استبداد را از این کشور برچیند!

□

بهباد نبوی: جناح راست سرنگونی نظامی خاتمی را مورد بررسی قرار داده است

بهباد نبوی از رهبران سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، در یک گفتگو با خبرنگاری جمهوری اسلامی گفت: «جناح راست» راه‌های سرنگونی نظامی خاتمی را مورد بررسی قرار داده است.

جناح «در جلسات خصوصی خود حتی راه‌حل‌های نظامی برای سرنگونی خاتمی را از نظر دور نمی‌دارند». نبوی گفت:

طرح استیضاح وزیر کشور در مجلس، تبلور دورویی و نفاق مخالفان دولت است. وی افزود: جرم بزرگ‌تر این افراد نفاقشان است و آنان دشمنان سرسخت شعارهای دوم خرداد مبنی بر حاکمیت قانون، آزادی جامعه مدنی، توسعه سیاسی و غیره هستند.

نبوی گفت: مردم می‌دانند که استراتژی مخالفان دولت در بدو امر حمله به هواداران راستین خاتمی و از میدان به در کردن آنان با برچسب‌های خود ساخته نظیر «مناقض»، «خط سوم» و غیره و بعد برخورد با خود وی است.

لازم به تذکر است که «خط سوم» که امروز مورد سوءاستفاده گسترده سرکوب گران قرار گرفته است، نخستین بار از سوی خود سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و در مورد نیروهای «غیر خودی» به کار برده شد. بهزاد نبوی در عین حال به «برخی مخالفت‌های» سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با دولت خاتمی اشاره کرد و گفت:

مخالفت با دولت، شخص رئیس جمهوری و یا حتی دستاوردهای دوم خرداد، جرم و گناه نیست. ما خود ممکن است در برخی موارد مخالف عملکرد و سیاست‌های دولت و حتی برخی عملکردهای شخصی رئیس جمهوری باشیم و نباید فضایی ایجاد کرد که همچون گذشته مخالفان دولت را دشمن پیامبر بدانیم. نبوی در مورد موارد مخالفت سازمان خود با دولت توضیح بیشتری نداد.

جنبش مسلمانان مبارز و حزب ایران مجوز فعالیت می‌خواهند

دیده نمی‌شود. پیمان به روزنامه فردا گفته است: من عضو موسس این تشکل نیستم، اما همکاری نزدیکی با آن خواهم داشت. پیمان گفته است که جنبش مسلمانان مبارز بدون هیچ مشکلی مجوز خواهد گرفت. روزنامه فردا از قول «منابع آگاه» خبر داده است که احتمال رد تقاضای جنبش زیاد است. «یک منبع آگاه» به این روزنامه گفته است: جنبش مسلمانان مبارز دارای پرونده سیاسی است و مشکل دارد.

است. به نوشته «فردا»، نهاد ریاست جمهوری طی گفتوگویی با نظام موحّد، نماینده این حزب، خواسته است که برای گرفتن مجوز به وزارت کشور مراجعه کنند ولی موسسین حزب به این دلیل که این حزب قدمتی ۵۰ ساله دارد، از مراجعه به وزارت کشور خودداری کرده‌اند. بنا به همین گزارش «جنبش مسلمانان مبارز» نیز خواهان فعالیت آزادانه در کشور است. نام حبیب‌الله پیمان، رهبر این جنبش، در میان نام موسسین آن

است. به نوشته «فردا»، نهاد ریاست جمهوری طی گفتوگویی با نظام موحّد، نماینده این حزب، خواسته است که برای گرفتن مجوز به وزارت کشور مراجعه کنند ولی موسسین حزب به این دلیل که این حزب قدمتی ۵۰ ساله دارد، از مراجعه به وزارت کشور خودداری کرده‌اند. بنا به همین گزارش «جنبش مسلمانان مبارز» نیز خواهان فعالیت آزادانه در کشور است. نام حبیب‌الله پیمان، رهبر این جنبش، در میان نام موسسین آن

در این روزنامه را می‌گیرد، خواستار آن شده است که حکم دادگاه لغو شود!

در برابر این «دفاع درخشان» انجمن صنفی مطبوعات از روزنامه جامعه، روزنامه جمهوری اسلامی پاسخ داده است: تمسک به مشکل کارکنان روزنامه‌ای که حکم لغو امتیاز آن صادر شده نیز، واقعا بهانه‌ای بیش نیست، زیرا اگر مشکل کارکنان روزنامه‌ها را بتوان وسیله‌ای برای جلوگیری از لغو امتیاز آن‌ها... دانست، این قانون هرگز قابل اجرا نخواهد بود. روزنامه جمهوری اسلامی پیشنهاد کرده است برای حل این مشکل، اموال روزنامه میان کارکنان آن تقسیم شود!

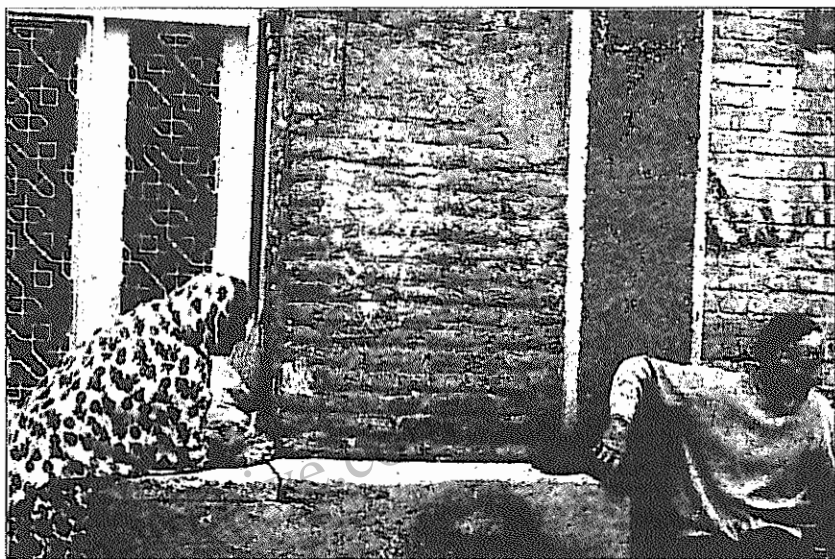
در میان نیروهای وابسته به حکومت، دانشجویان اسلامی به دفاع قاطعانه‌تری از این روزنامه برخاستند. اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت توقیف روزنامه جامعه را با صراحت بیشتری محکوم کردند. انجمن‌های اسلامی دانشجویی نیز جداگانه این اقدام را محکوم کردند.

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت در اطلاعیه‌ای که روزنامه جمهوری اسلامی آن را «مشکوک» خوانده است، خواستار بسیج همگانی و اتحاد تمامی معتمدان آزادی و جامعه مدنی برای توقف شمارش معکوس شده است که گروه‌های انحصارطلب برای حذف نشریات مستقل از صحنه مطبوعات کشور آغاز کرده‌اند. روزنامه جامعه تا هفته آینده، هشتم تیر ماه، انتشار خواهد یافت و ادامه انتشار آن به رای دادگاه تجدیدنظر بستگی دارد. □

امتیاز روزنامه جامعه لغو شد

مطبوعاتی درخواست می‌کند که نسبت به استفاده از فضای ایجادشده مسئولانه‌تر عمل کنند و با پرهیز از طرح مطالب و تصاویر نامناسب با فرهنگ

پاسخ دهیم؟» عباسی عسبی از اعضای سردبیری سلام حکم دادگاه را نسبت به جرم اعلام شده، «بی سابقه» خواند.



انتشار این عکس در روزنامه جامعه، مرزهای امنیت جمهوری اسلامی را به خطر انداخت!

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران نیز در این زمینه بیانیه‌ای منتشر کرد. در این بیانیه انجمن ضمن آن که خواهان لغو حکم دادگاه شده است، در عین حال به مطبوعات هشدار داده شده که حدود آزادی‌های خود را با سلب از اعضای هیئت منصفه مطبوعات هماهنگ کنند. در بیانیه انجمن آمده است: «انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران، ضمن ابراز نگرانی از فشارهایی که علیه آزادی مطبوعات اعمال می‌شود، مصرانه از همکاران

رفتار آن را به ویژه در زمینه رعایت ارزش‌های اسلامی مغایر می‌دانیم، به عبارتی اعمال مجازات اعدام برای یک چنین روزنامه‌ای در آزادی جرایمی که متناسب با مجازات نیست، چه سودی برای نظام ما در پی دارد؟ سلام نوشت: آیا پیام ما به هر آن که مطابق سلیقه ما فکر نمی‌کند، این است که با ما یا زبان سیاسی سخن نگویند و بهتر است همانند اپوزیسیون غیرقانونی طوری رفتار کنند که بتوانیم با این بهانه خود خواسته، با زبان شمشیر

و رفتار آن را به ویژه در زمینه رعایت ارزش‌های اسلامی مغایر می‌دانیم، به عبارتی اعمال مجازات اعدام برای یک چنین روزنامه‌ای در آزادی جرایمی که متناسب با مجازات نیست، چه سودی برای نظام ما در پی دارد؟ سلام نوشت: آیا پیام ما به هر آن که مطابق سلیقه ما فکر نمی‌کند، این است که با ما یا زبان سیاسی سخن نگویند و بهتر است همانند اپوزیسیون غیرقانونی طوری رفتار کنند که بتوانیم با این بهانه خود خواسته، با زبان شمشیر

از آن سال‌ها

از ۲۱ خرداد تا ۳ تیر ۱۳۵۸

کابینه بازرگان ترمیم شد

هاتم صلحان وزیر کشور و صدراعظم سیدجواد یوزارت دادگستری مشوب شاهان

مذاکرات موفقیت آمیزها جمع تقلید بار همرا نقاب

حمله به منزل فرنی ز ندانیان فراری خود را از ۲۲۰۰ میلیارد ریال متجاوز خواهد بود

تحت بررسی است معرفی کنند

کیهان - چهارشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۷۷

مدارک جاسوسی به نفع شوروی منتشر شد.

روز پنجشنبه گذشته طی اطلاعیه‌ای که توسط سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی منتشر شده است چگونگی ماجرای بازداشت شدن دو نفر به اسامی حماد شیبانی (ابوالعباس) و محمدرضا سعادت شیرازی معروف به سیکو به طور مشروح درج گردیده است در قسمت اول حماد شیبانی عضو سازمان چریک‌های فدایی خلق در رابطه با ماجرای وارد کردن دو صندوق اسلحه و مهمات از خارج به ایران پس از انقلاب و ارتباط با جریان خروج دو نفر کمونیست عراقی در فرودگاه مهرآباد تشریح گشته است.

کیهان - ۲۶ خرداد ۱۳۵۸

نام غیبی در دیوار با گروهی از دانشجویان دانشگاه تهران

در غرب تربیت انسانی نیست تربیت حیوانی است

کیهان ۲۳ خرداد ۱۳۵۸

من جلاخ خوبی برای ساواک بودم

دومین جلسه دادگاه انقلاب اسلامی تهران جهت رسیدگی به کيفرخواست دو نفر از متهمین ساواک به نام‌های تهرانی و آرش در ساعت ۶ بعد از ظهر دیروز در مسجد زندان قصر تشکیل گردید. تهرانی در مورد یکی دیگر از جنایات ساواک گفت: در اوایل سال ۵۳ یکی از دانشجویان دانشگاه صنعتی به نام محمود نمازی به طور اتفاقی مورد شناسایی واقع شد و در ادامه پیگیری مامورین یک باب خانه امن آنها در خیابان نواب و یک باب خانه در شهرستان قزوین مورد شناسایی قرار گرفت در جریان عملیات به تدریج انوشیروان لطفی، محمود نمازی، منصور فرشیدی دستگیر شدند، ولی هنگامی که نفر چهارم خشایار سنجر از منزل خارج می‌شد، با مامورین برخورد و پس از کشیدن سلاح کمرش با مامورین درگیر و به شهادت می‌رسد. حدود ساعت ۱۱ صبح سه نفر دستگیر شده را به کمیته آوردند و عطاپور دستور داد که اسامی آنها را در دفتر زندان نویسند و یا با مشخصات جعلی بنویسند.

و چون قبلا از انوشیروان لطفی بازجویی کرده بودم، بازجویی از او به من محول شد و عطاپور طی نوشته‌ای که به روزنامه‌ها داد اعلام کرد که در برخورد مامورین با این سه نفر، دو نفر به اسامی انوشیروان لطفی و منصور فرشیدی به قتل رسیده و حال سومین نفر که در بیمارستان است رضایت‌بخش نیست، در حالیکه محمود نمازی در زندان بود و عطاپور می‌خواست که فرشید نمازی تمام مطالب را بگوید.

بعد از دو سه روز عطاپور گفت هر سه باید بمیرند و هرکس باید متهم خود را بکشد. محمود نمازی و منصور فرشیدی به درجه شهادت رسیدند و یک روز صبح که آمدن حسینی به من گفت کار طرف تمام شد. من فکر می‌کنم بر اثر شکنجه و یا خوردن ضربه شهید شدند و وقتی به پزشکی قانونی می‌بردند می‌گفت خودکشی کردند. سیستم طوری بوده که همه ادارات در خدمت ساواک بودند. در مورد انوشیروان لطفی گفت: در بیدارگاه اول به اعدام و با یک درجه تخفیف به حبس ابد محکوم شد که اکنون بوسیله مردم ایران از زندان آزاد شده است.

و امیدوارم انوش مرا ببخشد و سعی می‌کردم که با او دوستی ایجاد کنم، من فکر می‌کنم انوش مدت‌ها نمی‌توانست راه برود و با تهی‌گاه روی زمین راه می‌رفت، مرا به طور شخصی ببخشد.

مردم درد شکنجه را نمی‌فهمند و نمی‌دانند چگونه بوده و کسی که آنجا بوده می‌داند. تهرانی در بیان این جملات اشک می‌ریخت. کیهان ۲۶ خرداد ۱۳۵۸

در دولت اسلامی خمس، بودجه

مملکت را تأمین میکند

کیهان - شنبه ۳ تیر ماه ۱۳۵۸

دختران دانش آموز ایرانی

از شرکت در مسابقات ورزشی جوانان جهان محروم شدند

پینگ‌پنگ. در این مسابقات شرکت می‌کنند. پهلوان پیرامون شرکت پسران دانش آموز ایرانی در این مسابقات نیز گفت: «حفظ شئون اسلامی مهم‌ترین اصل شرکت در این مسابقات است» و کسانی که مسکو اعزام خواهند شد که «سفیران نظام مقدس جمهوری اسلامی» در آن جا باشند. □

مسابقات ورزشی جوانان جهان با شرکت ۶۰ کشور از روز ۲۰ تیر ماه در مسکو آغاز می‌شود و به مدت ۱۰ روز ادامه خواهد داشت. این مسابقات در ۱۵ رشته ورزشی صورت می‌گیرد. از ایران ۶۲ ورزشکار مرد همراه با ۳۹ مربی و همراه در ۹ رشته کشتی آزاد و فرنگی، جودو، شنا، دو و میدانی، ژیمناستیک، تنیس، شمشیربازی و

دختران دانش آموز ایرانی اجازه حضور در بازیهای ورزشی جوانان در مسکو را ندارند. پهلوان، مدیر کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش، با اعلام این خبر، دلیل محرومیت دختران دانش آموز از شرکت در این رویداد ورزشی را عدم انطباق شرایط برگزاری این بازی‌ها با «فرهنگ و ارزش‌های ما» عنوان کرد.

تشکل تازه در حوزه علمیه قم

دادند. عنوان تشکل تازه مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم است و این تشکلات قرار است پس از اخذ مجوز قانونی با صدور اطلاعیه‌ای فعالیت سیاسی خود را رسماً آغاز کنند. موسوی تبریزی، اسدالله بیات، مهدوی آملی و حسین هاشمیان از جمله اعضای هیات موسس مجمع مدرسین حوزه علمیه قم است.

گروهی از مدرسین و محققین حوزه علمیه قم تصمیم گرفته‌اند یک تشکل سیاسی جدید ایجاد کنند. پایه‌گذاران این تشکل، مدرسین و روحانیون سرشناس حوزه علمیه قم هستند که در انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ماه سال ۷۶، برای جلب حمایت حوزه‌های آموزش علوم دینی سراسر کشور از محمد خاتمی فعالیت گسترده‌ای انجام

مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم است و این تشکلات قرار است پس از اخذ مجوز قانونی با صدور اطلاعیه‌ای فعالیت سیاسی خود را رسماً آغاز کنند. موسوی تبریزی، اسدالله بیات، مهدوی آملی و حسین هاشمیان از جمله اعضای هیات موسس مجمع مدرسین حوزه علمیه قم است.

یک بام و دو هوا!

روزنامه سلام در تحلیلی بر بمب‌گذاری اخیر مجاهدین در تهران به نام «فته خاتمی» نوشته است: «گرچه سال‌هاست که گروه‌های مخالف غیرقانونی به بن‌بست رسیده‌اند، لیکن پس از دوم خرداد روشن شد که شیوه‌های خشونت‌آمیز و غیرقانونی علیه حکومت دیگر نتیجه‌بخش نیست.» بسیاری از روزنامه‌های ایران به دلیل آن که هیچ وقت مخالفین و منتقدینی که بر برابر خود نداشتند، عادت کرده‌اند که همیشه یک طرفه به قاضی بروند و راضی برگردند و آن چه سلام نوشته نیز یکی دیگر از این موارد است. سلام تنها آن سوی واقعیت را دیده است که می‌خواهد از آن نتایج مورد نظر خود را بگیرد. آیا دوم خرداد این را نیز روشن نکرد که شیوه‌های خشونت‌آمیز و غیرقانونی حکومت علیه مردم و مخالفین دیگر نتیجه‌بخش نیست؟ دوم خرداد اگر چیزی را ثابت کرده باشد، قبل از هر چیز همین واقعیت است. سلام تا چه اندازه به این نتیجه‌گیری پای بند است؟ واقعیت این است که ابزار اعمال خشونت، امروز در ایران بیش از هر کس در اختیار حکومت است. سرکوب مخالفین، دستگیری و شکنجه آنان، جلوگیری از فعالیت آزادانه احزاب سیاسی، جلوه‌های بارز اعمال خشونت است و این خشونت امروز در ایران در سطح وسیعی از سوی حکومت اعمال می‌شود. وقتی هزاران فدایی خلق که خواستار فعالیت سیاسی مسالمت‌آمیز و آزادانه در کشور هستند، از این حق طبیعی خود محروم می‌شوند، این چیست جز جلوه بارز ادامه خشونت از سوی حکومت؟ دوم خرداد پاسخ «نه» مردم به ادامه این خشونت‌ها بود. سلام خود پذیرفته است که مردم در دو خرداد به آزادی‌های سیاسی رای دادند. اما آزادی‌های سیاسی یعنی پایان دادن به خشونت حکومت‌ها علیه مردم و احزاب سیاسی مخالف و نه بر عکس! کسی که از دوم خرداد این درس را می‌گیرد که: خشونت علیه حکومت موقوف؛ و این نیستی را نمی‌گیرد که: خشونت علیه مردم و احزاب سیاسی و سندی‌کام‌های کارگری و مطبوعات موقوف؛ هنوز تا مغز استخوان انحصارگر است و فاصله انحصارطلبی تا سرکوب‌گری تنها یک گام کوچک است، به ویژه این که ابزار قدرت در دست این انحصارگران باشد.

سلام در ادامه استدلال خود، این روح انحصارطلبانه را بیشتر آشکار کرده است:

«صریحا باید گفت که اگر وضعیت پیش آمده پس از دوم خرداد یک فرصت تاریخی است که دولت و حاکمیت باید قدر آن را بدانند. به همین میزان گروه‌های دیگر نیز باید هرزنده می‌سازد از آن را بپردازند. اگر کسی از آزادی‌های موجود بهره‌مند می‌شود، باید سیاست‌های خشونت‌طلب فرقه رجوی را با قاطعیت محکوم کند، سکوت در مقابل این اقدامات، به منزله حمایت از خشونت است، همچنان که سکوت گذشته را می‌توان به همین معنا تعبیر کرد. امروز مجدداً پرونده سیاسی همه گروه‌ها باز شده است. تجربه و آزمونی دیگر برای نشان دادن صادق بودن همه در مخالفت با خشونت پیش آمده است و نباید آن را نادیده گرفت.»

ما هنوز نمی‌دانیم که مطابق ادعای روزنامه سلام چقدر از آزادی‌های موجود «بهره‌مند» شده‌ایم، اما صریحا می‌گوییم: اگر قرار است «آزمونی دیگر برای نشان دادن صادق بودن همه در مخالفت با خشونت پیش آمده» باشد، آن گاه ما می‌ایم این «همه» شامل روزنامه سلام و متحدین آن در حکومت هم باشد:

۱. روزنامه سلام تا چه اندازه حمایت از خشونت را آن گونه که از دیگران می‌خواهد «با قاطعیت» و «صادقانه» محکوم کرده است؟ آیا این روزنامه با همان قاطعیتی که بمب‌گذاری را محکوم می‌کند، لغو امتیاز روزنامه جامعه را هم محکوم می‌کند، سخنان «سردار رحیم صفوی» در مورد سرکوب مخالفین را هم محکوم می‌کند؟ ادامه فشار بر نیروها و احزاب سیاسی و مخالفین حکومت را هم محکوم می‌کند؟ و اگر باید «سکوت گذشته را هم به همین معنا تعبیر کرد»، آن گاه سکوت (و آیا فقط سکوت؟) آن‌ها از جمله در برابر کشتار صدها زندانی سیاسی در سال ۶۷ حمایت از «خشونت» و شرکت در آن نیست؟

۲. آیا روزنامه سلام می‌پذیرد که محروم ساختن احزاب سیاسی مخالف از فعالیت آزادانه در کشور به زور دادگاه و زندان و سپاه عین خشونت است؟ روزنامه سلام تا چه اندازه به دفاع از حقوق این مخالفان برخاسته و خشونت علیه آنان را محکوم کرده است؟

وزیر خارجه آمریکا: آماده‌ایم راه‌های...

ادامه از صفحه اول

همراه ایران نقشه راه‌نمایی برای رسیدن به روابط عادی طرح ریزی کنند. آلبرایت گفت: هم‌اکنون این امکان وجود دارد که ایران هم کاملاً مستقل باشد و هم کاملاً در سایه خود را به سوی جهان باز کند.

خانم آلبرایت از انتخاب محمد خاتمی به ریاست جمهوری ایران استقبال کرد و گفت: مردم ایران در ایسن انتخابات با انتخاب خاتمی، ماموریت تغییر را بر عهده او نهادند. من از بزرگی ماموریتی که مردم بر دوش رئیس جمهوری گذاشتند، بیش از همه تحت تاثیر قرار گرفتم. آلبرایت از اقدامات دولت خاتمی در زمینه سیاست خارجی و از جمله صلح خاورمیانه استقبال کرد و گفت: نشانه‌هایی از تغییر وجود دارد. وزیر خارجه آمریکا در عین حال افزود: با وجود این، چنین امیدهایی را باید در برابر این واقعیت قرار داد که حمایت ایران از تروریسم هنوز پایان نگرفته است، نشتن شدید حقوق بشر همچنان با برجاست و تلاش‌های ایران برای ساختن موشک‌های با برد بلند و دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای ادامه دارد.

آلبرایت تاکید کرد آمریکا با

این سیاست‌ها کماکان مخالفت خواهد کرد و افزود: معیارهایی که ما مایل هستیم ایران رعایت کند، فقط غربی نیستند، بلکه جهانی هستند. او گفت: ما به دنبال این نیستیم که حکومت ایران را سرنگون کنیم، اما به شدت خواهان آن هستیم که ایران به تعهدات خود نسبت به جامعه بین‌المللی پای بند باشد. آلبرایت در پایان سخنان خود تاکید کرد: آشکار است که دو دهه بی‌اعتمادی را یک شبه نمی‌توان از بسین برد. شکاف بین ما همچنان بزرگ است، اما وقت آن فرا رسیده است که امکان پل زدن بر این شکاف امتحان شود.

در همین حال کساکش بین رئیس جمهور آمریکا و سنای این کشور در مورد چگونگی تحریم‌ها در مورد ایران ادامه دارد. در حالی که کنگره آمریکا طرح تحریم کشورهای صادر کننده تکنولوژی موشکی به ایران را تصویب کرده است، مک کوری، سخنگوی کاخ سفید روز پنجشنبه ۱۱ ژوئن اعلام کرد که کاخ سفید بدون تردید این مصوبه را و تو خواهد کرد. برخی ناظران گفته‌اند با توجه به این که این قانون در مجلس با آرای ۳۰۰ رأی تصویب شده است، و تویی آن از سوی کنگره می‌تواند به اختلافات در

مجلس، وزیر کشور را برکنار کرد

ادامه از صفحه اول

سیاست‌های خود را در مورد حوادث این دو شهر به تفصیل توضیح داده است. نوری چند بار در سخنرانی خود تاکید کرد که به دلیل مسایلی که نباید «نامحرمان» از آن مطلع شوند، نمی‌تواند همه مسایل در این مورد را توضیح دهد و از مجلس خواست به او فرصت دهد در یک جلسه غیر علنی سیاست‌های خود را توضیح دهد. نوری گفت: برخورد وزارت کشور در مورد مسایل نجف‌آباد و اصفهان بر این اساس بوده است که «خوراک» به دست مخالفان ندهد و باعث بهره گرفتن آنان از این حوادث نشود. وزیر کشور در ادامه سخنان خود به موضوع امنیت و ثبات کشور و ارتباط آن با آزادی پرداخت و آزادی‌های سیاسی را در جهت امنیت و توسعه

توصیف کرد و گفت: سیاست نظام و دولت در راستای تأمین آزادی مشروع گروه‌ها و احزاب است. نوری افزود: برای شفاف شدن فضای سیاسی و فعالیت گروه‌ها لازم است دادگاه سیاسی که در قانون پیش‌بینی شده، تشکیل شود. نوری گفت: اگر اجرای تمام و کمال قانون اساسی تشنج آفرینی است، باید برای ترمیم قانون فکری کرد. ما انتظار داشتیم، استیضاح کنندگان از ما پرسند برای اجرای اصول بر زمین مانده قانون اساسی مثل قانون شوراها چه چاره‌ای اندیشیده‌اید؟ ۱۲ دقیقه بعد از استیضاح و برکناری نوری از وزارت کشور، خاتمی با صدور بخشنامه‌ای ضمن تسلیت از خدمات و توانایی‌های وی در انجام اصلاحات سیاسی، او را به عنوان معاون رئیس جمهور در امور

مرگ بر ایویچ!

خبر: «یک و ضربگیر و یک زیارت عاشوراخوان را کنار گذاشتند و یک عرق‌خور را از یوگسلاوی آوردند. آن وقت ۷ گل خوردند، بعد او را کنار گذاشتند و یک مسلمان آمد، چهار گل زدند.» نتیجه منطقی: انجام امور شرعی و داشتن اعتقادات دینی باعث گل زدن در فوتبال و انجام منکرات باعث شکست در مسابقه می‌شود. اشکال وارده: وقتی مایلی کهن که دارای اعتقادات دینی است مربی تیم ملی بود، ما مسابقه با عربستان و امارات را باختیم و وقتی «وی به‌را» که یک مربی ناسلمانی است مربی تیم ملی شد، به جام جهانی راه پیدا کردیم. استثنای منکن: اهالی یوگسلاوی عرق‌خور هستند و مردم برزیل عرق‌خور نیستند. احتمال نسبی گرابانه: در دوره مایلی کهن مسلمان معتقد، بعضی مسابقات را بردیم و بعضی را باختیم و در دوره «وی به‌را» ناسلمانی مسابقه را به ژاپن باختیم و از استرالیا بردیم. نتیجه بین‌المللی: مربی هر تیمی در جام جهانی اول شد از همه مسلمان تر است. و بعد به تدریج به نسبت رده‌بندی جهان مربیان سست تر می‌شود. نتیجه ماکیاویستی: داشتن تخصص دینی برای نظر دادن در هنر مساله‌ای کلیت می‌کند.

استیو سامسون مربی آمریکا بعد از پایان مسابقه گفت: ایران حرفه‌ای بازی کرد و در حمله بسیار موفق بود. وی به جلال طالبی و بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران تبریک گفت.

طالبی سرمربی تیم ملی فوتبال ایران پس از پایان این دیدار گفت: ما شایسته این پیروزی بودیم. تیم آمریکا خوب بازی کرد اما ما از موقعیت‌ها خوب استفاده کردیم.

خبرهای کوتاه

در ایران ۱۰ میلیون نفر بی‌سوادند!

جلیل صفری مدیر کل تحقیق و پژوهش نهضت سوادآموزی ایران اعلام کرد بر اساس آخرین آمار، حدود ۱۰ میلیون بی‌سواد در ایران وجود دارد. وی افزود: ۳۸/۴ درصد از این افراد را بی‌سوادان ۶ سال تا ۴۰ سال تشکیل می‌دهند. به گفته وی نرخ بی‌سوادی بین افراد ۴۰ سال به بالا، ۶/۱ درصد است.

رئیس دادگستری جیرفت ربوده شد

مسعود امیر میجانی، رئیس دادگستری شهرستان جیرفت، جمعه شب ۲۲ خرداد، توسط افراد ناشناسی از مقابل خانه‌اش ربوده شد. به گفته همسایگان، چند فرد مسلح، میجانی را به داخل یک خودرو کشتاده و به هنگام روبرو شدن با عده‌ای از جوانان، اقدام به تیراندازی کرده و گریختند. همزمان با ربودن رئیس دادگستری جیرفت، به منزل معاون او نیز تیراندازی شد. در حالی که هیچ گروهی مسئولیت این آدم‌ربایی را به عهده نگرفته است، مقامات امنیتی احتمال می‌دهند که رابندگان از وابستگان محکوم یا محکومینی باشند که با این اقدام قصد آزاد کردن آن‌ها را دارند.

دو فوتبالیست ایرانی کشته شدند

دو تن از اعضای تیم فوتبال شهرداری اوز، از توابع استان فارس در جریان یک حادثه رانندگی کشته شدند و یک تن دیگر به شدت مجروح شد. حادثه بر اثر سرعت غیر مجاز و ترکیب لاستیک اتوموبیل رخ داد. علت حادثه تعجیل این فوتبالیست‌های جوان برای رسیدن به تلوویزیون و تماشای مسابقه فوتبال ژاپن و آرژانتین گزارش شده است. در این حادثه یوسف کوهگرد و حمید زمین پیمان باختند و محمد عزیزی مجروح شد.

افزایش سن رأی‌دهی

محمود ساجی رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که بر اساس قانون جدید انتخابات که در این کمیسیون تحت بررسی است، سن رأی‌دهندگان به ۱۸ سال افزایش می‌یابد. وی گفت که تاکنون ۳۱ ماده از این قانون در کمیسیون به تصویب رسیده است و پس از بررسی نهایی، پس از تعطیلات تابستانی مجلس در دستور کار قرار می‌گیرد.

نابودی قریب ۹۰٪ جنگل‌های شمال

انوشیروان نجفی یکی از معاونان سازمان حفاظت محیط زیست کشور هفته‌ی گذشته اعلام کرد که از حدود ۹ میلیون هکتار جنگل‌های شمال کشور، ۷/۸ میلیون هکتار آن نابود شده و تنها حدود ۱/۲ میلیون هکتار باقی مانده است که آن هم در معرض خطر نابودی قرار دارد. وی همچنین گفت که متوسط فرسایش خاک در ایران ده تن در هر هکتار برآورد شده و این در حالی است که برای تشکیل یک سانتی‌متر خاک حاصل‌خیز بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ سال زمان لازم است.

خواست تغییر قانون اساسی از هر سو

مرتضی قره‌باغیان دبیر ستاد ساماندهی اقتصادی جمهوری اسلامی اخیراً اعلام کرد که ستاد تحت مسئولیت وی طرحی را که شامل برنامه‌های اجرایی کوتاه مدت است برای «زمینه‌سازی و شروع اصلاحات ساختار اقتصادی و فراهم‌سازی حضور بیشتر بخش خصوصی در فعالیت اقتصادی» و «توقف گسترش نظام اداری و شروع ساختار اداری» تدوین کرده است. قره‌باغیان در سخنان خود تغییر قانون کار و اصل ۴۴ قانون اساسی را در راستایی که به «آزادسازی ایجاد بانک و شرکت‌های بیمه خصوصی» بیانجامد، ضروری دانست.

تظاهرات علیه

سیاست‌های زن ستیزانه در بن

در روز ۱۳ ژوئن، صدها زن و مرد ایرانی به دعوت تشکل‌های مستقل زنان در آلمان، مقابل سفارت جمهوری اسلامی در بن گرد آمدند تا به آخرین اقدامات زن ستیزانه مجلس شورای اسلامی، تصویب طرح الحاقیه به قانون مطبوعات و جداسازی جنسی خدمات پزشکی، اعتراض کنند. از این تظاهرات بیش از ۳۰ تشکل دموکراتیک و سیاسی حمایت کردند.

در قطعه‌نامه این تظاهرات آمده است: ما شرکت‌کنندگان در این همایش اعتراضی، تصویب این طرح‌ها را نهایت پای‌مال کردن حقوق زنان و توهین به مردم ایران دانسته و آن را محکوم می‌کنیم. ما خواهان دگرگونی اساسی در قوانین ضد

تیم ملی فوتبال ایران تیم ملی آمریکا را شکست داد

ادامه از صفحه اول

حریف قوی پنجه و مستکبر طعم تلخ شکست را از دست شما چشید. خاتمی رئیس جمهور در بخشی از پیام‌اش خطاب به ملی پوشان اظهار داشت: همه آن‌سایها همه ایرانی‌ها با سلیقه مختلف در موقعیتی که قهرمانان‌شان بازی می‌کنند، تلاش می‌کنند، پیروز می‌شوند. احساس مشترک دارند، غرور ملی در اینجا تجلی پیدا می‌کند.

دیدار تیم‌های ملی فوتبال ایران و آمریکا از ماه‌ها پیش توجه افکار عمومی جهان را به خود معطوف کرده بود. برخی از خبرگزاری‌های غربی در آستانه این بازی از «رودرویی شیطان بزرگ با شیطان کوچک» نوشتند. مسابقه فوتبال ایران و آمریکا اما در فضای نوین سیاسی که در آن هم دولت خاتمی و هم دولت آمریکا سعی



تیم فوتبال ایران این بچه‌های کوچک روستایی نیز آرزوی گل زدن در جام جهانی را دارند!

حمید اشرف که بود؟

آن چه در زیر می‌خوانید نوشته‌ای است که در ستون «یاد شهیدان» در روزنامه آبنگان، سال دوازدهم شماره ۳۳۸۷، پنجشنبه ۷ تیر ۱۳۵۸، به چاپ رسیده است.

هشتم تیر ماه سال ۱۳۵۵ روزنامه‌های عصر تهران با حروف درشت نوشتند: «حمید اشرف کشته شد» و پایین تر، از محمدحسین حق‌نواز، محمد مهدی فوقانی، یوسف قانع خشکه‌بیجاری، غلامرضا لایق مهربانی، فاطمه حسینی، طاهره خرم، غلامعلی خراط پور، علی‌اکبر وزیری و محمدرضا یثیری دیگر شهدای آن روز نام بردند.

حمید اشرف که بود؟

حمید اشرف در روز دهم دیماه سال ۱۳۲۵ در تهران به دنیا آمد. در آن زمان پدرش کارمند راه آهن بود. هفت سال داشت که پدرش به تبریز منتقل شد و او ۶ سال تحصیلات ابتدایی را در تبریز گذراند. در این سالها دوستی او با فرزندان کارگران و کارمندان جزء و بیش از همه دوستی با پسر سوزن‌بان ایستگاه سبب پیوند عاطفی عمیق او با کارگران و زحمتکشان شد.

در سال ۱۳۳۸ دوباره پدرش به تهران منتقل شد و حمید تحصیلات دبیرستانش را در تهران به پایان رسانید. اما سال دوم به علت «توهین به شخص اول مملکت!» و شرکت در تظاهرات دانشگاه تهران او را از دبیرستان اخراج کردند.

او سالهای آخر دبیرستان را در دارالفنون گذراند و در سال ۱۳۴۲ که گروه پیشتاز جزئی تشکیل شد، به عضویت گروه درآمد.

در سال ۱۳۴۴ در رشته ریاضی دیپلم گرفت و یک سال به تدریس در کلاس‌های پیکار با بی‌سوادی پرداخت تا ضمن کسب تجربیات اجتماعی، زندگی را مستقل کند. از سال ۱۳۴۵ وارد دانشگاه شد و در رشته محصلی مکانیک دانشکده، فنی به تخصص پرداخت.

او ضمن حفظ ارتباط مخفی خویش با گروه جزئی در فعالیت‌های سیاسی - صنفی و برنامه‌های ورزشی دانشگاه (به ویژه کوه‌نوردی) فعالانه شرکت می‌کرد و از رهبران فعالیت‌های انقلابی دانشگاه بود.

از سال ۱۳۴۵ به عضویت «تیم کوه» تحت مسئولیت شهید سعید کلاتری - یکی از بنیان‌گذاران سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران - درآمد و پس از ضربات سال ۴۶ - ۴۷ که رهبری و اکثر اعضای گروه دستگیر شدند، از آبان ۴۷ در مرکزیت گروه قرار گرفت و نقش عمده را در بازسازی گروه بر دوش کشید. از این تاریخ به بعد تا لحظه شهادت، حمید اشرف همواره مسئولیت سنگین عضویت در مرکزیت و پس از ضربات سال ۵۰ مسئولیت رهبری سازمان چریک‌های فدایی خلق را بر دوش کشید.

در زمستان سال ۱۳۴۹ ساواک موفق شد تندی چند از هم‌زمان فداییان را به اسارت خویش درآورد. در این رابطه طبق تصمیم مرکزیت سازمان چریک‌های فدایی خلق و برای حفظ کادرها، به حمید توصیه می‌شود که زندگی مخفی خویش را آغاز کند.

تیم‌های شهر و کوه را بر عهده داشت. حمید اشرف طی ۱۳ سال زندگی مبارزاتی و انقلابی به یک سازمان‌گر ورزیده بدل شد و عالی‌ترین خصال و قابلیت‌های انقلابی را در خود پرورش داد. قابلیت‌هایی که در شرایط فشار و سرکوب سیستماتیک امپریالیسم و دیکتاتوری به شرط ضروری هر مبارزه انقلابی بدل می‌شود.

در برخوردها و درگیری‌های متعددی که با مزدوران داشت، چنان تیزی و بی‌نیستی تاکتیکی از خود بروز می‌داد که دشمنان هم به قدرت تصمیم‌گیری و قاطعیت انقلابی او اذعان داشتند و آشکارا آن را می‌ستودند. حمید اشرف در طول ۶ سال زندگی مخفی ۱۴ بار خط محاصره مزدوران را شکست و توطئه آنان را ناکام گذارد.

در کار سازمان‌گری آن چه که بیش از همه مورد توجه حمید اشرف بود، مقابله با شتاب‌زدگی خرده‌بورژوازی و پیش‌برد امر سازمان‌دهی کادرها بر مبنای واقعیت‌ها و محدودیت‌های عینی و مادی بود. این خصلت او و بافتاریش در این زمینه در نزد همه هم‌زمانش شناخته شده و مشهور است.

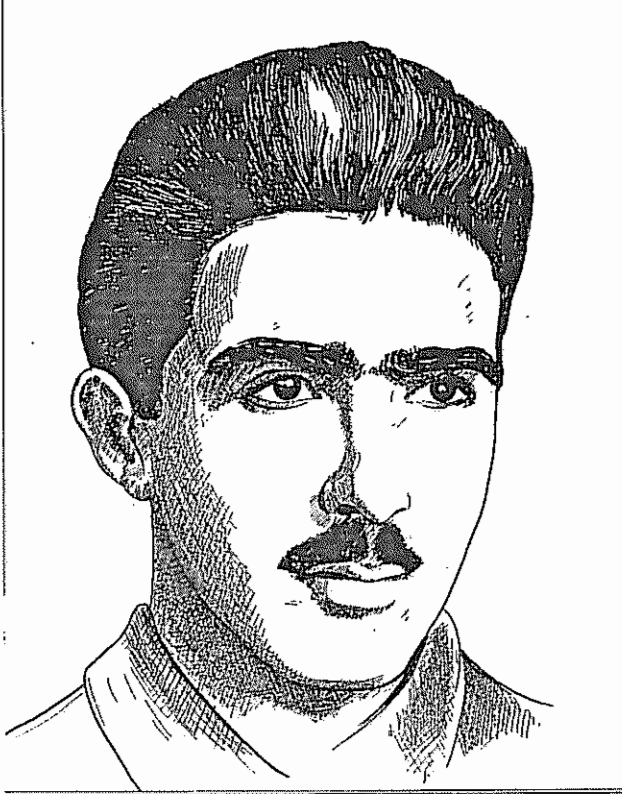
او در کتاب «جمع‌بندی سه ساله» خود بر اساس چنین اعتقادی می‌نویسد: «اشتباه ما شتاب‌زدگی ما بود، ما می‌خواستیم کارهای زیادی را در مدت کوتاهی انجام دهیم... مهم‌ترین ضعف ما بی‌تجربگی مان بود. بقیه ضعف‌ها از این ناشی می‌شد، ما می‌خواستیم زود به نتیجه برسیم و این ناشی از بی‌تجربگی بود. ما زمان کافی برای تحقق بخشیدن به طرح‌ها و آرزوهای سیاسی خود در نظر نمی‌گرفتیم. ما می‌خواستیم تمام چیزهایی که سال‌ها در خفا آرزویش را می‌کردیم در عرض چند هفته و یا چند ماه به دست آوریم و طبیعی بود که این امکان نداشت.»

اشرف بر سر آغاز مجدد فعالیت در نواحی روستایی شمال کشور که توسط برخی از هم‌زمانش مطرح شده بود، مبارزه‌ای جدی کرد و بر اساس تجاربش ارزیابی آن‌ها را از توان سازمان و مسائل مبارزه در روستا ذهنی و غیر منطقی بر واقعیت می‌دانست.

در این باره می‌گفت: «من قویا با آغاز فعالیت مجدد در روستا در آن شرایط مخالفت می‌کردم، بحث‌های زیادی بر سر این مسئله صورت گرفت. رفیق مسعود (احمدزاده) معتقد بود که ما برای اتمام این برنامه امکانات و رفقای کافی داریم. فقط کفایت که حرکات خود را در این جهت سست دهیم. من این نظریه را رد می‌کردم، معتقد بودم که ما نه تنها امکانات سازمانی‌مان برای این عملیات کافی نیست، بلکه افراد آماده برای شرکت در چنین برنامه‌ای نیز به طوری که بتوانیم در عرض چند ماه یک واحد ورزیده‌ای ایجاد نماییم، وجود ندارد... طرحی که بود و نبود سازمان چریکی را مشخص کند و نوعی طرح سرنوشت محسوب شود، مردود است.»

او این طرح را باعث مختل شدن کل برنامه و به هدر دادن انرژی می‌دانست و آن را یک «ریسک بزرگ» می‌نامید و به گفته خودش و همان‌طور که دیدیم: «اجرای این طرح سازمان را به کلی متلاشی کرد و نه تنها این طرح به نتیجه نرسید، بلکه اقدام روی آن غیرمستقیم سبب شد که واحدهای شهری هنگام بروز آسیب بتوانند از حمایت کافی برخوردار باشند و در نتیجه وسعت آسیب‌ها به نهایت شدت خود رسید.»

پس از ضربات تیر و مردها ۱۳۵۰ تنها ۶ عضو از سازمان چریک‌های فدایی خلق باقی مانده بود که با کوشش مجدد و خستگی‌ناپذیر و با



در یکی از قهوه‌خانه‌های جنوب شهر

نشسته بودیم، و آرام صحبت می‌کردیم. در کنار ما، روی یک تخت چهار نفر نشسته بودند و صحبت می‌کردند. قاجاچی بودند و داشتند در باره «یک آدم‌فروش» صحبت می‌کردند. با نفرت صحبت می‌کردند و مدام بد و بیراه می‌گفتند. گاهی از شدت نفرت روی زمین تف می‌کردند. حمید مثل همیشه از هر چه که دور و برش می‌گذشت باخبر بود. با چشم‌هایش مراقب آن‌ها بود. به نظر می‌رسید که چیز جالبی در حرف‌های آن‌ها و در حرکاتشان یافته است.

در حالی که دندان‌هایش را می‌ساید رو کرد به من و گفت: «مردم عادی چه خوب قضایا را می‌بینند. بین چه اسم خوبی برای یک آدمی که کسی را لو می‌دهد گذاشته‌اند. «آدم‌فروش»! چه اسمی بهتر از این می‌تواند کثافت چنین عملی را برملا سازد. چه زشتی و پستی‌ای در این اصطلاح «آدم‌فروش» هست، چه احساس نفرت و خشمی از این اصطلاح به آدم دست می‌دهد.

آهنگ صحبتش طوری بود که من احساس کردم دارد به من آموزش می‌دهد که باید همیشه وفادار ماند. برداشتم من این بود که او نفرت و محکومیتی را دارد به من یادآور می‌شود که در صورت خیانت به خلق در شرایط دستگیری و شکنجه نصیب من و هر کسی خواهد بود که اسرار سازمانی را به دشمن بگوید. چند ماه بعد من دستگیر شدم. هر دفعه‌ای که به اطاق شکنجه برده می‌شدم، تصویر حمید در چنین لحظه‌ای با من بود، حرف‌های او در گوشم بود، نگاه او را احساس می‌کردم و می‌دانستم که نباید چیزی بگویم.»

در باره حمید اشرف با سابقه چهارده سال فعالیت تشکیلاتی و ۶ سال زندگی مخفی در سیاه‌ترین روزهای دیکتاتوری و سلطه و نفوذ یکسری از سازمان یسافته‌ترین و گسترده‌ترین دستگاه‌های پلیسی قرن، سخن و خاطره بسیار است. به هنگام شهادتش «مقام امنیتی» ساواک هیجان‌زده از «پیروزی» بزرگش داد سخن می‌داد که: کار «تروویست‌ها» تمام شد!

به ذهن کوچک او خطور نمی‌کرد که پویندگان راه حمید اشرف‌ها، بساط ترک تازی او و اربابانش را برخواهند چید. حمید اشرف به سبب هوشیاری و چالاکی‌اش هنگام مواجهه با پلیس، در زمره زنده‌ترین چریک‌های شهری قرار داشت.

۸ تیر روز بزرگ داشت جان باختگان فدایی

۸ تیر تنها سالروز جان‌باختن حمید اشرف و یاران در سال ۵۵ و بهانه یادبود هر ساله رزم و نام آن فرزندان دل‌آور خلق نیست. ۸ تیر روز هر یک‌جانبه‌فدایی است.

از آغاز شکل‌گیری جنبش فداییان خلق و بنیان‌گذاری سازمان چریک‌های فدایی ایران تاکنون صدها فدایی خلق از زن و مرد در این سنگر همواره پایدار پیکار در راه آزادی و داد جان باخته‌اند. آنان سرشار از مهر به مردم و باور به فردایی بهتر برای مردم و میهن خود به دست دو حکومت سرکوب و بیداد کشته شده‌اند. هم‌زمان ما جان خود را پشتوانه پیکار آشتی‌ناپذیر ما فداییان خلق در راه آرمان‌های مردمی‌مان کرده‌اند.

به دور از درست یا نادرست بودن راه مبارزه ما در این یا آن بزننگاه تاریخی، تلاش تا پای جان آنان و جان باختن و اسپین‌شان نشان‌گر روراستی ما با مردم و پیکار بی‌امان‌مان در راه آزادی و داد، در راه بهروزی آنان بوده است.

رفقای جان‌باخته ما بی‌باور به زندگانی‌ای دیگر و پاداشی که شاید در جهانی موعود چشم به راه آنان باشد، تنها و تنها در راه مردم از جان و بی‌چشم‌داشت، از آسایش خود در راه آزادی مردم گذشتند.

بی‌پایه است هر گاه ما بگوئیم چهره‌ای فرانسوی از این قهرمانان بازتابانمان. آنان نیز چون ما و شما انسان بودند و انسان بی‌کاستی نیست. نمایانند چهره‌ای بی‌کاستی از آنان، نه ارزش‌گذاری به آنان، که کاستن از بزرگی پیکار و قهرمانی آنان است. قهرمانی آنان نه در «نیمه خدا» بودنشان، که در باور بی‌گمان به مردم و فرادانستن ارزش‌ها و باورهای مردمی از گرامی‌ترین دارایی خود بود. قهرمانی تک تک آن فرزندان گرامی ایران در آن بود که بی‌پاک، در راه زندگی، مرگی را که آن همه از آن نفرت داشتند، پذیرا شدند.

پاک‌بازی در راه مردم آن ارزش‌بنیادینی است که یاران زنده‌نام ما را به هم پیوند می‌دهد. و این جدا است از آن که این یا آن رفیق چون حسن فرجودی در زیر شکنجه‌های دهشت‌ناک ساواک و ساواما، چون حمید اشرف در درگیری مسلحانه چریک‌های ما با گزمنگان شاه، چون قاسم سیادتی در نبرد واپسین فداییان خلق با دژخیمان گارد و مزدوران شاه در دو روز ۲۱ و ۲۲ بهمن ۵۷، چون مسعود احمدزاده در برابر جوخه‌های اهریمنی تیرباران شاه و شیخ، در نبرد رویاروی با ارتجاع سیاه و کردستان و ترکمن صحرا، چون شیر محمد رخشنده توماج در دست آدم‌ریزان شاه و شیخ، در جبهه‌های دفاع از میهن در برابر تجاوز عراق یا چون ده‌ها فدایی خلق در کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران در سال سیاه ۶۷ جان بر سر پیمان نهاده‌اند. و این پاک‌بازی بی‌غل و غش، این مهر و باور پایدار به مردم، همان فدایی بودن است. تنها آن کسی می‌تواند خود را دنبال‌گیر آن جنبش بداند که این هسته را بنیان زندگی سیاسی خود گذارد.

فداییان خلق قد برافراشتند تا بی‌آشتی با حکومت شاهی رو در رو شوند که از گنجینه‌های دارایی این مرز و بوم، «مزد» مزدوران سازمان امنیت بیگانگی را داد که ۲۸ مرداد ۳۲ دولت قانونی و میهنی ایران را برانداخت، شاهی که علیه مردم خود کودتا کرد. آشتی‌ناپذیری ما فداییان خلق با بیداد و سرکوب ارزش دیگری از نهفته‌های فدایی بودن است. ارزش بنیادین دیگر فدایی بودن نقد پیگیر کرده‌های خویش است. انتقاد صمیمانه و بی‌پرده از خود و از رفقای خویش. روراست بودن با خود و دیگران. جاه پرست نبودن، ارزش گذاشتن به دیگران و کار آنان. این‌ها و ارزش‌هایی این‌گونه بنیان فدایی بودن‌اند.

آری قهرمان و باور داریم که هیچ کس بی‌کاستی نیست. باری آن که این ارزش‌های برتر، قتیتم بر رفتارشان باشد، یک فدایی خلق است و رفقای جان‌باخته ما چنین بودند.

بارها گفته‌ایم و همواره باید بازگوئیم و بازخواهیم گفت که بزرگ‌داشت فداییان جان‌باخته خلق، هم‌زمان گرامی‌ما، نه بزرگ‌داشت مرگ، نه مرده‌پرستی، که پاس داشتن عشق به زندگی است. عشقی چنان ریشه‌دار که آماده‌ای در راه آن از زندگی خود بگذری. عشقی چنان ریشه‌دار که هیچ‌گاه بی‌سبب به آغوش مرگ نمی‌تازی.

حمید اشرف از بهترین نمونه‌های فدایی بودن است. هم از این روست که از میان صدها جان‌باخته فدایی که بسیاری از آنان چون حمید از رهبران و برخی از بنیان‌گذاران سازمان ما بودند، روز کشته‌شدن او روز جان‌باختگان فدایی نام گرفته است. پیش از حمید و پس از او صدها فدایی خلق در راه آرمان‌هایی یکسان جان داده‌اند، باری این نام اوست که همواره نماینده تک‌تک هم‌زمان جان‌باخته ما خواهد ماند.

تا آن روزهایی که کمیته مرکزی سازمان پس از انقلاب بهمن ۵۷، ۸ تیر را برای بزرگ‌داشت جان‌باختگان فدایی برگزید، ما یاران خود را تنها در پی «شهادت» از دست می‌دادیم. از آن روز تاکنون بسیاری از یاران ما به مرگی غیر از شهادت چشم از جهان فرو بسته‌اند. تاکنون سازمان ما روزی برای بزرگ‌داشت این بخش از یاران از دست رفته‌مان ندارد. بی‌جا نیست اگر در همین جا، در روز جان‌باختگان فدایی یاد آن یاران را نیز بزرگ داریم. یاد آن رفقای را که به هنگام ماموریت‌های سازمانی در پی سوانح رانندگی مرده‌اند، رفقای را که در راه شرکت در گردهم‌آیی‌های سازمانی در آغوش چرکین مرگ غلطیده‌اند، هم‌زمانی که پس از سال‌های سال پیکار در راه آرمان‌های مشترک انسانی‌مان در چنبره بیماری‌هایی درمان‌ناپذیر از پا درآمده‌اند و فداییان خلقی که نه در خود «پیکار» از میان ما رفته‌اند. اگر راست باشد که ۸ تیر، بزرگ‌داشت پیکار در راه زندگی، آزادی و داد است، نمی‌توان از یاد گرامی این یاران نیز چشم پوشید.

به دیگر سخن ۸ تیر روز بزرگ‌داشت فدایی بودن است. می‌خواهید برسید اگر چنین است، پس ۱۹ بهمن چیست؟ شاید تفاوت میان ۱۹ بهمن و ۸ تیر در آن باشد که ۱۹ بهمن روز آشکار ساختن آرمان‌ها و رزم ماست، روز هر ساله بازگوئی باورهای نو و در پیش‌داشتن پیکار در راه این یا آن آماج دور و نزدیک است. در برابر، ۸ تیر روز همواره نشان‌گر پای‌بندی ما به گفته‌هایمان، روز نماینده باور ما به راستی راه‌مان است.

و بدین گونه است که ما هر ساله ۸ تیر را به یاد و پاس داشته‌ایم و می‌داریم. در این روز ما نام و رزم یکایک هم‌زمان خود را گرامی می‌داریم که دوشادوش ما چون شیر، دل‌اورانه پیکار کرده‌اند و دیگر هیچ‌گاه در میان ما نخواهند بود. یادشان گرامی و رادشان پرهرو باد.

فضای کشور، خردادی نراز دوم خرداد است

ملت ایران با هوشیاری و درایت، جناح حاکم جمهوری اسلامی را غافلگیر کرده، آقای خاتمی را که بشارت از آزادی می‌داد به ریاست جمهوری اسلامی برگزیده، نقشه شوم آنها را، در این دور، درهم شکست. با پیروزی مردم و آقای خاتمی، فضای نوینی در درون و پیرامون کشور به وجود آمد. جناح حاکم علیرغم این که همه قدرت سیاسی منتهای یک سوه قوه مجریه را در اختیار داشت، روحیه‌اش را به شدت باخت، گنج و مبهوت شد. طوفانی که ملت ایران به پا کرده بود، فضای سیاه و سنگین ۱۶ ساله کشور را از پنجان درهم نوردید که جناح حاکم تا چند ماه بعد از انتخابات دچار تشمت و اختلاف مواضع در میان خود شد. اما اکثریت قریب به اتفاق اپوزیسیون آزادی خواه جمهوری اسلامی که هرکدام به شکلی، در اتخاذ سیاست کاربردی دچار اشتباه شده و نتوانسته بودند در انتخابات با مردم هم شکل و هم سو عمل کنند، بعد از انتخابات به سرعت اشتباه خود را تصحیح کرده، با مردم هم سو شدند و با حفظ مواضع انتقادی خود نسبت به دیدگاهها و مواضع انتقادی جناح خاتمی، در برابر جناح حاکم صف آرایی کردند. در سالی که گذشت، فضای جامعه خردادی تر شد؛ طوفانی از اندیشه‌ها که در دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰، در دل جامعه پی افکنده شده و صدایش در آستانه انتخابات به گوش رسیده بود، با پیروزی دوم خرداد راه به میان مردم، جوانان و زنان باز کرد؛ قلم‌ها نو آفریدند، جامعه نوریبان شد، نورها زوایای سیاه و شوم را شکافتند و در خیابان‌ها شادی تقسیم کردند؛ جوانان آزادی فریاد کردند و به هر بهانه‌ای گفتند: «یک مملکت یک دولت، آنها هم به رای ملت؛» به طالبان گفتند که مملکت را رها کنید؛ جناح ریاست جمهوری و رئیس جمهور علیرغم تناقضات درونی و تفل‌هایی که در مراجعه به مردم از خود نشان داد و نیز علیرغم عدم توجه به اپوزیسیون آزادخواه جمهوری اسلامی، در مجموع با فضای خردادی جامعه هم‌سوئی کرد. طوفان اندیشه‌ها، با شتاب نور، بر دل پرغصه و پرتقصه دریای توده‌ها می‌نشست و دریا، طوفانی از نورو آزادی و شادی را، به پرورش و تیمار نشسته بود.

امت دیگر امت نیست، آبله‌مرغون گرفته است، باید دست به کار شد. صدای دریا را شنیدند و دیدند که فضای جامعه خردادی‌تر، پربرگ‌تر، پرسکون‌تر و پرمعنا تر از دوم خرداد است. زمان به سود آنها نیست؛ عرصه تنگ‌تر می‌شود؛ امام و امتی در کار نیست تا با تکیه بر آنها آب رفته را به جوی بازگردانند. امام فوت کرده است؛ امت، دیگر امت نیست، «آبله‌مرغون گرفته»، پوست انداخته و در قامت شهروندی به‌میدان آمده است؛ مردم، زندگی آزاد و شاد و شایسته شهروندی می‌خواهد و به هر بهانه‌ای شاد می‌خواند، نه تنها در چهار دیواری خانه مطرب‌نوازی می‌کنند بلکه مسابقه فوتبال شیطانی و سالگرد دوم خرداد را نیز به عرصه رقص و شادی زنان و جوانان مسلمان بدل می‌کند. چنین ملت «آبله‌مرغون گرفته» را در چنین فضای «شیطانی» دیگر نمی‌توان به آسانی فریب داد؛ جلودارش شد و به خانه‌ها برگرداند. پس باید دست به کار شد. باید این صدای شیطانی را در نطفه زبان برید و «امنیت» امت و نظام و اسلام و ... را برقرار کرد. باید به روحیه شکست و تشمت غلبه کرد، اختلافات را کنار گذاشت و با تمام قوا عرض همه‌جانبه‌ای را سازمان داد. راه دیگری نیست.

آقای رئیس جمهور! «همه مشکلات را با مردم در میان بگذارید»

مجید عبدالرحیم‌پور

اگر راه دیگری وجود داشته باشد، راه سازش با خاتمی است. این راه، اما راه مستقل از راه اول (تعرض همه جانبه) نیست. چرا؟ به این دلیل که آنها نه امام را دارند و نه امت را که با اتکا به آنها خاتمی را به سازش وادار کنند. راه سازش با خاتمی تنها در یک صورت به نفع جناح حاکم تمام می‌شود؛ اینکه بتوانند از طریق تعرض همه جانبه، سیاست‌ها و روش‌های خود را بر خاتمی و یحیی از یارانش اعمال کنند و خاتمی را به رئیس جمهور بی‌بو و بی‌خاصیت و یا کم‌بو و کم‌خاصیت بدل کنند. آنها می‌خواهند جناح ریاست جمهوری را شقه کنند، پیشروترین گرایشات بدون جناح ریاست جمهوری را از خاتمی جدا کنند، مردم را از خاتمی و یارانش ناامید کنند، حکومت را یک‌دست سازند.

پس تعرض همه جانبه برای حفظ مواضع موجود و کسب مواضع از دست رفته باید در دستور قرار بگیرد. اگر راه نجاتی وجود دارد، در زبان بریدن، تفرقه انداختن و حکومت کردن است. پس باید دست به کار شد و دست شدند.

جناح حاکم دست به کار می‌شود

چند ماه قبل، از طریق روزنامه رسالت و کیهان اعلام کردند که تا به‌آخر خواهند ایستاد و مدام بر طبل ایستادگی کوبیدند؛ با کوبیدن بر ایستادگی، روحیه شکست‌خورده خود و نیروهای خودی را بازسازی کردند، بعد شهردار تهران را به‌دام انداختند و مقاومت مردم را دیدند آشکار؛ بعدتر، سخن از «زبان بریدن کردند و با خشم و اعتراض مدافعین آزادی و جامعه مدنی مواجه شدند؛ آنکه رهبر، خود به میدان آمد و تظاهرات راه انداخت در اصفهان؛ و بعدتر طلاب را به‌میدان آوردند در قم با شعارهایی علیه وزیر کشور و وزیر ارشاد؛ و به‌دروغ گفتند «۴۰ هزار بودند؛ در مشهد تظاهرات به‌پا کردند، شهردای دیگر هم؛ آنکه تظاهرات شاد و آزاد مردم را دیدند در سالگرد دوم خرداد و در پارک لاله؛ خزعلی به‌فریاد درآمد که: «انقلاب آبله‌مرغون گرفته است و خاتمی باید صریحاً به اشتباه خود اعتراف کند وگرنه من می‌ترسم از پس‌گردنی خدا و مردم»؛ مدیر حوزه علمیه قم علیه مطبوعات و وزیر ارشاد سخن سر داد: «۳۱ نماینده مجلس، استیضاح وزیر کشور را از مجلس تقاضا کردند، دادگاه انقلاب، امتیاز «روزنامه جامعه» را لغو و سردبیر آن‌را به‌مدت یک سال از این کار محروم اعلام کرد؛ روزنامه نوپای «گزارش» را بستند، در سخنرانی‌ها و مقالات از جریان سوم و علیه آن سخن گفتند و در تظاهراتی که راه انداختند، بخشی از نقشه شومشان را فریاد کردند: «منافق، منافق خاتمی را رها کن»، پس نقشه شوم و همه‌جانبه است.

اما این که آیا آنها می‌خواهند همه نقشه و تصمیم شومشان را در همین لحظه و به‌طور ناگهانی در همه زمینه‌ها پیاده کنند یا نه، و اینکه آیا می‌توانند آن را به‌طور ضربتی پیاده کنند و ملت ایران و آزادی‌خواهان کشور را به زانو درآورند یا نه، صرفاً به تصمیم آنها بستگی

ندارد بلکه عوامل و پارامترهای متعدد دیگری دخیل هستند که قطعاً مورد توجه آنها است. سران جناح حاکم تجربه بیست سال حکومت کردن دارند؛ در مکتب امام، ده‌ها بار داستان جدا کردن چوب‌ها و شکستن تک تک آنها را شنیده‌اند و دیده‌اند و خود به‌کار بسته‌اند. این روش به‌طور جدی باید مورد توجه مدافعین آزادی و جامعه مدنی و نیز آقای خاتمی و جناح ریاست جمهوری قرار گیرد.

شیرینی و شمشیر آقای خاتمی

سران جناح حاکم برای اجرای این نقشه و تصمیم شوم، شیرینی و شمشیر را در یک طبق پیش روی آقای خاتمی قرار داده‌اند: آقای خاتمی در مقام منتخب مردم، یا باید گام به گام از مواضع عقب‌نشینی کند؛ قربانی شدن درشت‌دانه‌های مردم و کابینه خود را به‌نام مصلحت نظام یا هر مصلحتی دیگر نظاره کند و بدین ترتیب از مردم فاصله بگیرد و یا در برابر شمشیر قرار گیرد.

نگاژنده، در اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۶، در نشریه آرش نوشتیم: «در این حکومت، در این ترازن قوا، با چنین پشتیبانان نامطمئن و شکننده (منظورم کارگزاران به رهبری رفسنجانی بود) که عمدتاً به‌فکر مقام و غارت بیشتر و ثروت‌های بادآورده بیشتر هستند نه به فکر آزادی و مردم و پیشرفت مملکت، حتی اگر انتخابات از کنترل جناح مقابل خارج شود و آقای خاتمی به پشتوانه رای مردم به ریاست برسد، وی قادر نخواهد شد، در درون حکومت، رای مردم را در جهت آزادی و خواست‌های آنها اعمال کند. او از اینجا رانده و از آنجا مانده خواهد شد».

در آن مقاله، من به‌خاطر شناخت و ارزیابی نصادیق از روانشناسی و عمل‌کرد مردم، نتوانستم موضع صحیحی در قبال شرکت مردم در انتخابات دوم خرداد و نیز در برابر آقای خاتمی اتخاذ کنم و در نتیجه مردم را به عدم شرکت در انتخابات دعوت کردم. بر این خیال بودم که راه شکست جناح حاکم در آن مقطع، عدم شرکت مردم در انتخابات است. در اوایل اردیبهشت ماه ۱۳۷۶، این امکان را هفتی نمی‌دانستم که کنترل از دست زمامداران جمهوری اسلامی خارج شود و آقای خاتمی به‌پشتوانه رای مردم در انتخابات ریاست جمهوری پیروز شود. اما در آن زمان هنوز تصویری از این نداشتیم که بیش از بیست میلیون نفر از مردم ایران به آقای خاتمی رای بدهند داد، اسروز روشن شده است. در یک‌سالگی که گذشت، مردم ایران و اکثریت قاطع نیروهای سیاسی و فرهنگی طرفدار آزادی و جامعه مدنی هرکدام به‌سبک و شیوه خود در برابر جناح حاکم صف‌آرایی کرده و در جهت تأمین آزادی و جامعه مدنی که در برنامه و شعارهای انتخاباتی آقای خاتمی نیز بود، برآمدند. رادیکال‌ترین اپوزیسیون جمهوری اسلامی، به‌جز مجاهدین، اگر سیاست و روش حماهی آشکار از اقدامات مثبت جناح خاتمی را در پیش نگرفتند، ولی سیاست و روش تضعیف و تخریب آن‌را نیز به سیاست کاربردی خود بدل نکردند.

اگر آن زمان هنوز روشن نبود که آقای خاتمی «با تکیه بر کدام نیرو، می‌خواهد جمهوری اسلامی را در مسیر مورد نظر خود پیش ببرد»، امروز، آن نیرو مشخص شده است: اکثریت مردم ایران، و اکثریت نیروی سیاسی و فرهنگی طرفدار آزادی و جامعه مدنی، ولی علیرغم روشن شدن این ابهامات، و علیرغم وجود این نیروی بزرگ، این نگرانی هنوز باقی است: آیا آقای خاتمی در برابر جناح مقابل و برای تأمین

آزادی و حرکت در مسیر جامعه مدنی، به رای مردم و نیروی سیاسی و فرهنگی طرفدار آزادی و جامعه مدنی تکیه خواهد کرد؟

جناح رقیب با اشاره به استعفاى آقای خاتمی از وزارت ارشاد در تیرماه ۱۳۷۱، به این تردید دامن می‌زد که در صورت رئیس جمهور شدن آقای خاتمی، او به فاصله کمی از بروز فشارها و مشکلات احتمالی، دوباره استعفا را برمی‌گزیند و جامعه را با بحران روبرو می‌کند. روزنامه رسالت در ویژه‌نامه انتخاباتی اردیبهشت ماه خود، ضمن مطلبی تحت عنوان «دو استعفا یک قهر...» به تشدید این شبهه پرداخته بود، اشاره این روزنامه به دو استعفاى آقای خاتمی از نمایندگی ولی فقیه در روزنامه کیهان و وزارت ارشاد و همچنین قهر سیاسی مجمع روحانیون مبارز تهران که خاتمی عضو موثر آن بود در سال‌های گذشته بود. آقای نبوی به سخنرانی حجت‌السلام و المسلمین کروی در قم بود که در پاره استعفاى آقای خاتمی از ارشاد گفته بود: «آقای خاتمی قبل از استعفا، خوابی هم دیده بود»، اشاره کرد و نوشت: «اگر ایشان رئیس جمهور شود و باز خواب ببیند که باید استعفا بدهد، تکلیف مردم ایران چه خواهد بود؟ از کجا اطمینان پیدا کنیم که آقای خاتمی در دولت آینده در برابر سختی‌ها تاب آورد و یک‌دفعه کار را زمین نگذارد و استعفا ندهد و یا خدای نکرده قهر نکند؟...» آقای خاتمی در برابر این سوال که «اگر رئیس جمهور شد از کجا معلوم که دوباره استعفا نکنند»، گفت: «در آن صورت همه مشکلات را با مردم در میان خواهیم گذاشت» (روزنامه جامعه، شنبه ۲۲ فروردین ۱۳۷۷، شماره ۱۹).

غرض از گفتار فوق، توجه کردن به این نکته است که آقای خاتمی قبل از انتخاب شدن، خود در قامت رئیس جمهور منتخب مردم برانداز کرده، به جامعه رئیس جمهور آراسته و از چنین مقام و منظر، اندر مشکلات فراوان و سر رقبای سخت‌سر و مشکلساز، نظری انداخته است. او حتی می‌دانست که وارد منازعه‌ای می‌شود که با حیثیت و آبرویش بازی خواهد کرد.

«... آقای خاتمی در دیدار اول مجمع روحانیون مبارز با ایشان، به‌طور کامل پیشنهاد آنان را رد کرد و حتی حاضر نشد راجع به آن صحبتی بکند. اما در یکی از دیدارهای بعد با مظلومیت به اعضاى مجمع گفته بود مگر من چه بدی به شما کرده‌ام که مرا به این عرصه می‌برید؟ چرا می‌خواهید وارد منازعه‌ای شوم که با حیثیت و آبرویم بازی کنید؟ او گفته بود حالا از من با خواهش می‌خواهید نامزد شوم اما پس‌فردا که انواع تهمت‌ها تصییم شد، مرا تنها خواهید گذاشت.» (روزنامه جامعه همان شماره)

در میان گذاشتن همه مشکلات با مردم، ضامن پیشروی به‌سوی آزادی و جامعه مدنی است

امروز جناح حاکم به‌میدان آمده است. یکی از «زبان بریدن» سخن می‌گوید و رهنمودهای رهبر را مبنای این گستاخی خود معرفی می‌کند؛ دیگری، دوم خرداد را «آبله‌مرغون انقلاب» اعلام می‌کند و منتخب مردم را با «پس‌گردنی» تهدید می‌کند؛ رهبر، خود آستین به‌بالا می‌زند و راساً تظاهرات راه می‌اندازد، طلاب و حزب‌الله در تظاهرات خیابانی خواهان استیضاح و استعفاى وزیر کشور و وزیر ارشاد می‌شوند، کامرساچی (به‌قول خودشان آبروی جمهوری ادامه در صفحه ۹

این نکته کافی باشد که تیراژ فقط ۴ روزنامه سراسری کشور، سلام، همشهری، جامعه و کار و کارگر، قریب یک میلیون نسخه در روز است که شیانروز کوس رسوائی محافل ارتجاعی درون و پیرامون حکومت را بر بام‌ها می‌زنند.

پس از ۲ خرداد نشانه‌هایی از تجزیه در جناح راست به‌سروز کرد، اظهارات آیت‌الله جنتی، سخنگوی شورای نگهبان، در ارتباط با موافقت شورای نگهبان با لغو نظارت استصوابی آن شورا در صورت تصویب مجلس، تلاش‌های برای نشان دادن مواضع متفاوت با قبل از انتخابات، مصاحبه‌های توکل، وزیر سابق کار، محسن رضائی و بسیاری دیگر از روحانیون و سران ریز و درشت حکومت نشانگر به‌سروز تحولاتی جدید و مثبت در جریان محافظه‌کار و بینادگرای جامعه بود. در جنبش نیز تحولی که در ابتدا با شعار قانونمداری و استقرار جامعه مدنی آغاز گردید، به‌درستی پس از اندک مدتی سمت و سوی اصولی را یافت و علیه بی‌کفایتی‌های خاندانی به‌عنوان ولی فقیه، قدرت بلامنزاعه و غیر قابل کنترل آن و به‌طریق اولی علیه اصل ولایت فقیه جهت‌گیری کرد.

در یک کلام: کارزاری که طی سال گذشته در کشور ما جاری بود، جامعه را سیاسی‌تر، جنبش ادامه در صفحه ۹

مجلس خبرگان، چالشی دیگر

معمودکرد - برلین

هنگامی که خاتمی، رئیس جمهور، در ۱۳ آبان سال گذشته به مناسبت روز دانش‌آموز با دانش‌آموزان در ارتباط با ضرورت تشکیل سخن می‌گفت، مدت‌ها بود که در اقصی نقاط کشور نهادها و انجمن‌های صنفی و فرهنگی در حال شکل‌گیری بودند.

تاکید خالی بر ضرورت تشکیل نشان داد که وی به‌درستی به اهمیت این موضوع پی برده است که حضور غیر متشکل توده‌ها، حضوری اتساعی و غیردانشی است و قادر نیست دست‌آوردهای موجود را حفظ کند و آن‌را تداوم بخشند. رشد اندیشه تشکیل‌پذیری اگرچه در ابتدا فقط در چارچوب نهادها و انجمن‌های اسلامی توضیح داده می‌شد، ولی با گسترش جنبش و تقویت واقع‌گرائی در جناح تحول‌طلب حکومت، به ضرورت حضور تشکلهای دگراندیش کشیده شد. اظهارات چند تن از رهبران سرشناس جنبش از جمله محمد سلامتی، عطاالله مهاجرانی و طبرزدی، جملگی تاییدگر روند تحولات در این عرصه است.

تداوم جنبش کنونی حضور جریانات دگراندیش را اجتناب‌ناپذیر خواهد کرد. در ارتباط با فضای فرهنگی - سیاسی جامعه، دگرگونی‌ها بارزتر و چشم‌گیرتر است.

تا قبل از دو خرداد جامعه ما شاهد تهدیدها، بگیر و بندها، محر فیزیکی روزنامه‌نگاران و نویسندگان و تعطیل روزنامه‌های مترقی بود، آنچه بر سر سفار حسینی، زال‌زاده، سعیدی سیرجانی، مسعودی، سرکوهی و ... و روزنامه‌هایی چون گردون و آفتاب‌گردان و بسیاری دیگر آمد، سیاست رسمی و علنی رژیم در این عرصه بود و می‌رفت تا آخرین روزنه‌های گشایش را در جامعه مسدود سازد. دو خرداد ضربه‌ای جدی به این روند وارد کرد و صداها روزنامه، هفته‌نامه و ماهنامه، چه به صورت سراسری و چه منطقه‌ای اجازه انتشار یافتند و این همه علاوه بر رفع ممنوعیت از کتب و سایر فعالیت‌های فرهنگی بود که زیر تیغ سانسور گیر کرده بودند. برای توضیح تحولی که در این عرصه به‌وجود آمده است شاید یادآوری

محدودیت‌هایی که نباید به آنان تن داد

ف. تابان

حکومت باشد، خطا در این جا نیست، خطا در این جاست که امروز بخش‌هایی از فعالین سیاسی در ایران، با بی‌مسئولیتی تمام، برخورداری از حق آزادی در ایران را فقط به کسانی محدود می‌کنند که بر قوانین حکومتی گردن می‌گذارند. انسان با همه تاسکیدات و ادعاهایی که در مورد دموکرات بودن خویش عرضه می‌کنند، اما در عمل تنها یک گام بیش از آنان برمی‌دارند که هیچ حقی برای مخالفین خود قایل نیستند و این گام دایره آزادی را تا آن جا گسترش می‌دهد که «آزادی ما» نیز تامين شود. اپوزیسیون در ایران نمی‌تواند با محدود ماندن در چارچوب امر و نهی‌های ولی فقیه و تفاسیر شورای نگهبان به دموکراسی واقعی متعهد بماند. با وجود این در ارگان، هیچ انتخاب واقعی که پایه هر نظام سیاسی دموکراتیک است، در ایران امکان‌پذیر نخواهد بود. انحلال ولایت فقیه و شورای نگهبان اقداماتی است که بدون آنان راه به سوی توسعه سیاسی در کشور ما بدون نخواهد شد. این گناه اپوزیسیون نیست که اصلاح‌طلبان درون حکومت نمی‌خواهند این واقعیت را بپذیرند، این گناه اپوزیسیون نیست که قوانین، تعرض به این دو دژ ارتجاع را ممنوع ساخته‌اند. مبارزین و اصلاح‌طلبان واقعی نباید خود را با قوانینی منطبق کنند که انتقاد بر حریم ارتجاع را برمی‌تابند، قوانین باید بر الزامات دموکراسی و توسعه سیاسی در ایران منطبق شوند. آن چه که اپوزیسیون جمهوری اسلامی می‌تواند به آن متعهد بماند، پیکار سیاسی مسالمت‌آمیز برای برقراری دموکراسی در ایران است. هم آقای خاتمی؛ و هم بسیاری از نیروهای ملی‌گرا و لیبرال ایران؛ باید این را روشن کنند که آیا حاضرند برای فعالیت مسالمت‌آمیز در ایران راه را هموار سازند و از این مبارزات دفاع و یا دست کم حمایت کنند، یا همچنان «مخالفی» که دوست دارند که خود برای او تعیین کنند در کدام زمین‌ها حق ابراز عقاید خود را دارد و در کدام زمین‌ها ندارد؟

شاید حد معینی از فعالیت قانونی در جمهوری اسلامی تحمل شود، اما این فعالیت اولاً دیگر فعالیتی نیست که مستقیماً دموکراسی در ایران را هدف خود قرار دهد و دوماً، باز با محدودیت‌های فراوانی مواجه است که هم اکنون در عمل اصلاح‌طلبان حکومت شاهد آن هستیم. و به این نکته نیز باید توجه اکید داشت که اصلاح‌طلبان در ایران در جهات عمومی، هنوز تعرض آشکاری را علیه مواضع جناح مقابل سازمان نداده‌اند و بیشتر در حال دفع تعرض بوده‌اند. اگر زمانی آنان قصد کنند که به حملات متقابل دست بزنند، آن‌گاه بدون تردید محدودیت‌ها و زنجیرهای قوانین بیشتر بر دست و پایشان محکم خواهد شد. شاید آقای خاتمی بتواند در میدانی که امکانات اندکی ایجاد می‌کند سال‌های ریاست جمهوری خود را سپری کند، اما این میدان میدانی نیست که تغییرات بزرگ و خواست‌های واقعی مردم ایران را نوید بدهد. ایران به مصدق‌هایی نیاز دارد که در برابر مجالس و دیگر نهادهایی که خار در راه دموکراسی هستند، بایستند و با نیروی مردم این خارها را از سر راه بردارند. آیا اصلاح‌طلبان با این قید و بندهایی که خود بر سر راه خود ایجاد می‌کنند، مرد چنان میدان‌هایی خواهند بود؟ گناه بزرگ‌تر را، انانی مرتکب می‌شوند که می‌خواهند اپوزیسیون جمهوری اسلامی را نیز به این میدان که از هر سو در محاصره سربازهای زهر آگینی است که بر سر هر یک قانونی نیز آویزان شده است، بکشانند. حق هر نیرویی است که بخواهد اپوزیسیون قانونی این

تأچه اندازه بتوانند سرکوب‌گران و مستبدینی را که در اطراف خامنه‌ای گرد آمده‌اند، عقب بنشانند و دست آنان را از قدرت کوتاه کنند. در این مبارزه اتکا به قانون‌های موجود، فضای عمل محدودی را بر اصلاح‌طلبان تحمیل می‌کند، به دو دلیل: نخست آن که این قوانین، موانع بسیاری در جهت آزادی‌های سیاسی و به تعبیر اصلاح‌طلبان «توسعه سیاسی» ایجاد کرده است که بزرگ‌ترین این موانع قانونی شناختن نهاد ولایت فقیه و سپردن همه نیروهای مسلح به دست او و تامين نقشی بر فراز قانون برای اوست. دوم آن که ارگان‌های تعبیر و تفسیر قوانین و همچنین ارگان‌های قانون‌گذار تماماً در دست جناح مستبد و سرکوب‌گری است که با اصلاحات در ایران مخالف است. این جناح همه ساز و کارهای قانونی و ابزار نیرومندی به نام شورای نگهبان برای پاسداری از این موقعیت در اختیار دارد. در چنین شرایطی این فکر اندکی غیر جدی به نظر می‌رسد که می‌توان به این قانون‌ها ملتزم بود، در چارچوب آنان عمل کرد و برای تغییر آنان امکانات واقعی فراهم آورد. مدافعین چنین راهی توضیح نداده‌اند که ابزارها و مکانیسم‌های مورد نظر برای تغییر قوانین را چگونه فراهم می‌آورند. سخن بر سر تغییراتی است که راه را به سوی آزادی‌های سیاسی و یک حکومت دموکراتیک در ایران هموار سازد و همه نهاد‌های غیر منتخب و غیر دموکراتیک (ولایت فقیه، شورای نگهبان، مجلس خبرگان به عنوان مجلسی که مردم در آن حق نماینده شدن ندارند) را منحل سازد. بدون پرداختن به این مسایل اساسی،

بیشتر قرار دهد و با اتکا به قوانین، آنان را در عرصه‌های مختلف، از جمله انتخابات خبرگان، با محدودیت‌های تعیین‌کننده مواجه سازد. باید بر این نکته تاسکید کرد که امروز آزادی‌های محدود اجتماعات، مطبوعات و گام‌های بسیار محتاطانه‌ای که در جهت «توسعه سیاسی» برداشته می‌شود، بیش از این که توسط گروه‌های فشار مورد تهدید قرار گیرد، توسط ارگان‌ها و نهادهای قانونی جمهوری اسلامی، و بیش از همه ولایت فقیه و نیروهای مسلح تحت فرمان آن، شورای نگهبان، قوه قضاییه و مجلس شورا مورد تهدید هستند. نقش گروه‌های فشار فقط در حد اعمال فشار است، از این رو تأکید بر قانونیت، که متوجه حذف این گروه‌هاست، به هیچ وجه راه را بر اعمال فشارهای قانونی و نهادهای قانونی نمی‌بندد. با شعار قانون می‌توان گروه‌های فشار چند صد نفره را از خیابان‌ها جمع کرد، اما آنان به راحتی و به نحو آبرومندانه‌تری در غالب روحانیون قم و حزب الله تهران و اصفهان به میدان می‌آیند. مساله اساسی امروز گروه‌های فشار غیرقانونی نیستند، مساله اساسی گروه‌های فشار قانونی نظیر سپاه پاسداران و شورای نگهبان و دیگران هستند. واقعیتی که نباید پنهان بماند این است که امروز مبارزه در جامعه ما، یک مبارزه بر سر قدرت است، تأکید بر این خصلت، به معنای نفی و مذموم شمردن این مبارزه، از طور که این روزها در برخی محافل رسم است، نیست. سرنوشت همه تحولات به این بستگی دارد که اصلاح‌طلبان و در گام‌های بعدی، دموکرات‌ها،

همین واقعیت که آقای خاتمی برای رهایی از نخستین تهاجم آشکار جناح راست به دولت خود در جریان بازداشت شهردار تهران در فروردین ماه گذشته، مجبور شد روش‌های قانونی را کنار بگذارد و از سید علی خامنه‌ای بخواهد که به عنوان فردی فراتر از قانون در این ماجرا دخالت کند، نشان داد که اصلاح‌طلبان در مبارزه قانونی با چه محدودیت‌هایی مواجه‌اند. این تجربه یک تجربه تلخ بود. هم برای آقای خاتمی که مجبور شد غیر قانونی عمل کند و هم برای مخالفین ولایت فقیه که بار دیگر شاهد قرار گرفتن ولی فقیه بر فراز قانون شدند. این تجربه تلخ در هیجان «پیروزی» دولت و آزادی شهردار تهران، از نظرها پنهان ماند، اما محدودیت‌های خاتمی و امکانات جناح مخالف او را برای استفاده از قانون، دست کم برای رقبای هوشیار او آشکار کرد. البته آقای خاتمی راه دیگری، به جز توسل به ولایت فقیه، برای حل آن بحران (و بحران‌های مشابه) داشت و هنوز هم دارد) و آن راهی بود که دانشجویان پیش پای او گذاشتند، اما رئیس جمهور از گام گذاشتن در آن راه امتناع کرد. این ماجرا تنها یک نمونه بود که رئیس جمهور را مجبور ساخت خلاف قانون عمل کند و او بدترین شکل این قانون شکنی را انتخاب کرد و به ولایت فقیه پناه برد. مخالفین او دریافتند سلاحي را که خاتمی با آن به میدان آمد، می‌توان از دست او در آورد و حتی علیه او به کار گرفت و اکنون، در یک ماهه اخیر که بر تهاجم خود افزوده‌اند، دقیقاً به همین کار مشغولند. لغو امتیاز روزنامه جامعه از طریق دادگاه، استیضاح وزیر کشور در مجلس، محاکمه شهردار تهران، تظاهرات‌های اخیر در شهرهای مختلف علیه دولت و دانشجویان، همه اقداماتی است که یا توسط نهادهای قانونی و یا منطبق بر قوانین جمهوری اسلامی صورت گرفته است. بدون شک جناح طرفدار خامنه‌ای هنوز امکانات گسترده‌ای دارد که دولت و هواداران آن را از طریق قانون تحت فشارهای

آقای رئیس جمهور! «همه مشکلات را... مجلس خبرگان، چالشی دیگر...»

ادامه از صفحه ۸
اسلامی) را به دادگاه می‌کشند، ۳۱ نماینده مجلس، تقاضای استیضاح وزیر کشور را به مجلس می‌برند و ...
نقشه شوم جناح حاکم و رهبر، کاملاً روشن است. آنها یا خاتمی کم دردرس و مطیع فرمان رهبر می‌خواهند، یا استغفای بی‌سرو صدای خاتمی را. البته برای رهبر و جناح حاکم، خاتمی کم دردرس و سر به زیر به مراتب بهتر و باصرفه‌تر از خاتمی مستغفی است. چرا؟ به این دلایل که با سر به زیر شدن آقای خاتمی، مردم نسبت به او بی‌اعتماد می‌شوند؛ جناح ریاست جمهوری چند شقه و مشتشت و سردگمی میان اپوزیسیون جمهوری اسلامی نیز بیشتر می‌شود. البته استغفای بی‌سرو صدای آقای خاتمی، نظیر استغفای او در دوران وزارت ارشاد و یا استغفای کم سرو صدای او، چندان خطر آفرین برای جناح حاکم و رهبر نیست. اما آیا آقای خاتمی سر به زیری و مطیع فرمان جناح حاکم خواهد شد و به مردم پشت خواهد کرد؟ آیا او زیر فشارها و سختی‌ها، دوباره خواب خواهد دید و بی‌سرو صدا استغفا خواهد داد و جناح حاکم را شادمان خواهد کرد؟ آیا او مصدق‌وار عمل خواهد کرد و دوم خرداد دیگری را هم سونی خواهد کرد؟ آیا او از تجارب برخورد مصدق و چپه سلی در روزهای ۲۷ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به اندازه کافی درس گرفته است و در برابر تعرض ارتجاع خواهد ایستاد؟ آقای خاتمی قبل از انتخابات به مردم ایران وعده جامعه مدنی داده است و نیز گفته است که: «... همه مشکلات را با مردم در میان خواهد گذاشت».
در میان گذاشتن مشکلات با مردم و مراجعه به مردم از شاخص‌های اصلی جامعه مدنی و در شرایط کنونی کشور ما، ضامن اصلی حرکت در سمت تحقق جامعه مدنی است. آقای خاتمی در مقام منتخب مردم، نه تنها باید به این وعده انتخاباتی خود عمل کند، بلکه وظیفه‌مند است «همه مشکلات را با مردم در میان بگذارد».

ادامه از صفحه ۸
انتخاباتی کناره نگرفته بود. آقای خاتمی نظیر بنی‌صدر که بنا به گفته خود، به باکی خمینی باور داشت و گول خورده بود، در مقطع انتخابات بر این باور بوده است که خامنه‌ای به عنوان رهبر مذهبی، وعده دروغین به مردم و اطرافیانش نمی‌دهد. بنظر می‌رسد آقای خاتمی هنوز هم در فضای خوش‌باوری نسبت به رهبر مذهبی سیر می‌کند. ولی واقعیت این است که آقای خاتمی و یارانش اگر می‌خواهند به‌طور جدی و قطعی، دوم خرداد را در مسیر آزادی و جامعه مدنی پیش ببرند، به‌جای دل بستن به وعده‌های راست یا دروغ این یا آن رهبر مذهبی، و به‌جای امید به جلب رهبر، ضروری است که قبل از همه به مردم و جامعه سیاسی و فرهنگی مدافع آزادی و جامعه مدنی روی بیاورند، و همه مشکلات را با مردم در میان بگذارند. مردم تشنه شنیدن این مشکلات هستند. مردم کارآفرین و کارسازند. مردم دوم خرداد را آفریدند. برای حل مشکلات و برداشتن موانع، برای پیش‌برد دوم خرداد و آفرینش دوم خرداد دیگر، باید همه مشکلات را با آفرینندگان و صاحبان اصلی دوم خرداد در میان گذاشت، باید به آنها مراجعه کرد. رمز موفقیت و پیشروی و فرارونی بیشتر دوم خرداد به سمت آزادی و جامعه مدنی و آفرینش دوم خرداد دیگر، و رمز شکست بیشتر مخالفین آزادی و جامعه مدنی در حکومت، مراجعه به مردم و جامعه سیاسی و فرهنگی مدافع آزادی است. نه در جلب نظر نماد ولایت فقیه. مخالفین آزادی و جامعه مدنی با تمام قوا به‌میدان آمده‌اند. این قوا را فقط و فقط با تکیه بر آفرینندگان دوم خرداد و جامعه سیاسی و فرهنگی مدافع آزادی می‌توان عقب نشاند و درهم شکست. زمان به ضرر جناح حاکم ریاست جمهوری در مراجعه به مردم و آزاد یخاوهان، می‌تواند سبب‌ساز تغییر اوضاع به سود آن جناح شود.

ادامه از صفحه ۸
ملت ایران نمی‌توانند و نمی‌خواهند بعد از اینکه کار از کار گذشته به آنها مراجعه شود، می‌خواهند از همین امروز به آنها مراجعه شود، می‌خواهند خود راساً در رفع مشکلات و دفع و شکست توطئه‌ها و نقشه‌های شوم جناح حاکم مشارکت داشته باشند. مردم ایران نمی‌خواهند بعد از اینکه کار از کار گذشته، از رئیس جمهور و یارانش بشنوند که: «دانه تسبیح اقر بگسست معذورم بدار دستم اندر ساعد ساعد سیمین ساق بود».

ادامه از صفحه ۸
مجلس، تقاضای استیضاح وزیر کشور را به مجلس می‌برند و ...
نقشه شوم جناح حاکم و رهبر، کاملاً روشن است. آنها یا خاتمی کم دردرس و مطیع فرمان رهبر می‌خواهند، یا استغفای بی‌سرو صدای خاتمی را. البته برای رهبر و جناح حاکم، خاتمی کم دردرس و سر به زیر به مراتب بهتر و باصرفه‌تر از خاتمی مستغفی است. چرا؟ به این دلایل که با سر به زیر شدن آقای خاتمی، مردم نسبت به او بی‌اعتماد می‌شوند؛ جناح ریاست جمهوری چند شقه و مشتشت و سردگمی میان اپوزیسیون جمهوری اسلامی نیز بیشتر می‌شود. البته استغفای بی‌سرو صدای آقای خاتمی، نظیر استغفای او در دوران وزارت ارشاد و یا استغفای کم سرو صدای او، چندان خطر آفرین برای جناح حاکم و رهبر نیست. اما آیا آقای خاتمی سر به زیری و مطیع فرمان جناح حاکم خواهد شد و به مردم پشت خواهد کرد؟ آیا او زیر فشارها و سختی‌ها، دوباره خواب خواهد دید و بی‌سرو صدا استغفا خواهد داد و جناح حاکم را شادمان خواهد کرد؟ آیا او مصدق‌وار عمل خواهد کرد و دوم خرداد دیگری را هم سونی خواهد کرد؟ آیا او از تجارب برخورد مصدق و چپه سلی در روزهای ۲۷ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به اندازه کافی درس گرفته است و در برابر تعرض ارتجاع خواهد ایستاد؟ آقای خاتمی قبل از انتخابات به مردم ایران وعده جامعه مدنی داده است و نیز گفته است که: «... همه مشکلات را با مردم در میان خواهد گذاشت».
در میان گذاشتن مشکلات با مردم و مراجعه به مردم از شاخص‌های اصلی جامعه مدنی و در شرایط کنونی کشور ما، ضامن اصلی حرکت در سمت تحقق جامعه مدنی است. آقای خاتمی در مقام منتخب مردم، نه تنها باید به این وعده انتخاباتی خود عمل کند، بلکه وظیفه‌مند است «همه مشکلات را با مردم در میان بگذارد».

ادامه از صفحه ۸
انتخاباتی کناره نگرفته بود. آقای خاتمی نظیر بنی‌صدر که بنا به گفته خود، به باکی خمینی باور داشت و گول خورده بود، در مقطع انتخابات بر این باور بوده است که خامنه‌ای به عنوان رهبر مذهبی، وعده دروغین به مردم و اطرافیانش نمی‌دهد. بنظر می‌رسد آقای خاتمی هنوز هم در فضای خوش‌باوری نسبت به رهبر مذهبی سیر می‌کند. ولی واقعیت این است که آقای خاتمی و یارانش اگر می‌خواهند به‌طور جدی و قطعی، دوم خرداد را در مسیر آزادی و جامعه مدنی پیش ببرند، به‌جای دل بستن به وعده‌های راست یا دروغ این یا آن رهبر مذهبی، و به‌جای امید به جلب رهبر، ضروری است که قبل از همه به مردم و جامعه سیاسی و فرهنگی مدافع آزادی و جامعه مدنی روی بیاورند، و همه مشکلات را با مردم در میان بگذارند. مردم تشنه شنیدن این مشکلات هستند. مردم کارآفرین و کارسازند. مردم دوم خرداد را آفریدند. برای حل مشکلات و برداشتن موانع، برای پیش‌برد دوم خرداد و آفرینش دوم خرداد دیگر، باید همه مشکلات را با آفرینندگان و صاحبان اصلی دوم خرداد در میان گذاشت، باید به آنها مراجعه کرد. رمز موفقیت و پیشروی و فرارونی بیشتر دوم خرداد به سمت آزادی و جامعه مدنی و آفرینش دوم خرداد دیگر، و رمز شکست بیشتر مخالفین آزادی و جامعه مدنی در حکومت، مراجعه به مردم و جامعه سیاسی و فرهنگی مدافع آزادی است. نه در جلب نظر نماد ولایت فقیه. مخالفین آزادی و جامعه مدنی با تمام قوا به‌میدان آمده‌اند. این قوا را فقط و فقط با تکیه بر آفرینندگان دوم خرداد و جامعه سیاسی و فرهنگی مدافع آزادی می‌توان عقب نشاند و درهم شکست. زمان به ضرر جناح حاکم ریاست جمهوری در مراجعه به مردم و آزاد یخاوهان، می‌تواند سبب‌ساز تغییر اوضاع به سود آن جناح شود.

وزیر خارجه آمریکا: آماده‌ایم راه‌های...

ادامه از صفحه ۵
کمال خرازی، وزیر خارجه ایران که در یک سفر اروپایی به سر می‌برد، در اسپانیا بار دیگر احتمال رابطه با آمریکا را رد کرد. وی گفت: تا زمانی که آمریکا سیاست‌های خصمانه خود علیه ایران را تغییر ندهد و رعایت اصل احترام متقابل و برابر را به اثبات نرساند، امکانی برای ایجاد روابط با این کشور وجود نخواهد داشت. وزیر خارجه ایران در عین حال از گسترش رابطه با اروپا استقبال کرد، و گفت: ایران با نگاه به آینده و بر اساس درکی متقابل به گفتگوهای سازنده معتقد است و در این زمینه با اتحادیه اروپا همکاری می‌کند. کمال خرازی تأکید کرد: گفتگوها میان ایران و این اتحادیه،

ادامه از صفحه ۵
کمال خرازی، وزیر خارجه ایران که در یک سفر اروپایی به سر می‌برد، در اسپانیا بار دیگر احتمال رابطه با آمریکا را رد کرد. وی گفت: تا زمانی که آمریکا سیاست‌های خصمانه خود علیه ایران را تغییر ندهد و رعایت اصل احترام متقابل و برابر را به اثبات نرساند، امکانی برای ایجاد روابط با این کشور وجود نخواهد داشت. وزیر خارجه ایران در عین حال از گسترش رابطه با اروپا استقبال کرد، و گفت: ایران با نگاه به آینده و بر اساس درکی متقابل به گفتگوهای سازنده معتقد است و در این زمینه با اتحادیه اروپا همکاری می‌کند. کمال خرازی تأکید کرد: گفتگوها میان ایران و این اتحادیه،

ادامه از صفحه ۵
کمال خرازی، وزیر خارجه ایران که در یک سفر اروپایی به سر می‌برد، در اسپانیا بار دیگر احتمال رابطه با آمریکا را رد کرد. وی گفت: تا زمانی که آمریکا سیاست‌های خصمانه خود علیه ایران را تغییر ندهد و رعایت اصل احترام متقابل و برابر را به اثبات نرساند، امکانی برای ایجاد روابط با این کشور وجود نخواهد داشت. وزیر خارجه ایران در عین حال از گسترش رابطه با اروپا استقبال کرد، و گفت: ایران با نگاه به آینده و بر اساس درکی متقابل به گفتگوهای سازنده معتقد است و در این زمینه با اتحادیه اروپا همکاری می‌کند. کمال خرازی تأکید کرد: گفتگوها میان ایران و این اتحادیه،

ادامه از صفحه ۵
کمال خرازی، وزیر خارجه ایران که در یک سفر اروپایی به سر می‌برد، در اسپانیا بار دیگر احتمال رابطه با آمریکا را رد کرد. وی گفت: تا زمانی که آمریکا سیاست‌های خصمانه خود علیه ایران را تغییر ندهد و رعایت اصل احترام متقابل و برابر را به اثبات نرساند، امکانی برای ایجاد روابط با این کشور وجود نخواهد داشت. وزیر خارجه ایران در عین حال از گسترش رابطه با اروپا استقبال کرد، و گفت: ایران با نگاه به آینده و بر اساس درکی متقابل به گفتگوهای سازنده معتقد است و در این زمینه با اتحادیه اروپا همکاری می‌کند. کمال خرازی تأکید کرد: گفتگوها میان ایران و این اتحادیه،

ادامه از صفحه ۵
کمال خرازی، وزیر خارجه ایران که در یک سفر اروپایی به سر می‌برد، در اسپانیا بار دیگر احتمال رابطه با آمریکا را رد کرد. وی گفت: تا زمانی که آمریکا سیاست‌های خصمانه خود علیه ایران را تغییر ندهد و رعایت اصل احترام متقابل و برابر را به اثبات نرساند، امکانی برای ایجاد روابط با این کشور وجود نخواهد داشت. وزیر خارجه ایران در عین حال از گسترش رابطه با اروپا استقبال کرد، و گفت: ایران با نگاه به آینده و بر اساس درکی متقابل به گفتگوهای سازنده معتقد است و در این زمینه با اتحادیه اروپا همکاری می‌کند. کمال خرازی تأکید کرد: گفتگوها میان ایران و این اتحادیه،

انعکاس نامه شورای مرکزی سازمان به خاتمی در مطبوعات ایران

نامه سرگشاده کمیته مرکزی سازمان به خاتمی و طرح خواست فعالیت آزادانه در داخل کشور در برخی از مطبوعات داخل کشور انعکاس یافت. نشریه جامعه پس از طرح خبر انتشار این نامه مبنی بر خواست فعالیت قانونی سازمان، بخشی از این نامه را منتشر نمود. نشریات اخبار و فرهنگ توسعه نیز خبر انتشار نامه مزبور را منتشر نموده و بخشی از آن را منعکس کردند. نشریه صبح (وابسته به افراطی‌ترین نیروهای رژیم) خبر نامه مزبور را منعکس نموده و نوشت «گروه ضدانقلابی فداییان خلق ایران (اکثریت) خواستار فعالیت قانونی گردیده است. این نشریه نیز بخشی از نامه مزبور را منتشر نمود.»

پیشنهاد حزب توده ایران: ائتلاف وسیع

حزب توده ایران طی اطلاعیه‌ای همه نیروهای مترقی و آزادی‌خواه را به همکاری و اتحاد عمل دعوت نموده و در این اطلاعیه آمده است: امروز همه ما، از ضرورت اتحاد عمل، همبستگی و مبارزه مشترک طرفداران آزادی، عدالت اجتماعی و استقرار جامعه مدنی در برابر استبداد، سخن می‌گوییم، ولی پراکندگی و فقدان چارچوب مناسب برای تبادل نظر و تصمیم‌گیری بین این نیروها لطمه سنگینی به امر پیشبرد مبارزه در راه تحقق این آرمان‌های انسانی و مردمی زده می‌زند. اختلاف نظر و ارزیابی متفاوت از اوضاع و اختلاف برداشتها و دیدگاه‌های تاریخی بین نیروهای گوناگون پدیده‌ای است انکارناپذیر و فاقد تاثیر. این تفاوت‌ها نمی‌بایست مانعی در برابر همکاری در زمینه‌هایی باشد، که ما همگی بر سر آن توافق داریم. بر این اساس است که ما پیشنهاد می‌کنیم هر چه سریعتر نشست وسیعی از نیروهای مترقی و آزادیخواه کشور برای بررسی اوضاع حساسی و سرنوشت‌ساز کنونی برگزار گردد و زمینه‌های همکاری‌های عملی و ایجاد ائتلاف وسیع مردمی و ستاد مشترکی برای به پیش بردن مبارزه، بررسی می‌شود. حزب توده ایران آماده است تا در این راه تمام توان و امکانات خود را به کار گیرد. □

انتشار کتاب دوم تاریخ شفاهی ایران

پس از انتشار کتاب خاطرات بسزرگ علوی کتاب دوم از مجموعه تاریخ شفاهی ایران که به خاطرات سرگرد هوایی پرویز اکتشانی تخصیص دارد انتشار یافت.

آدرس تماس: H. Ahmadi C/O Mosavi Senften berger Ring 16 13439 Berlin, Germany

کنگره دوم «جبهه ملی ایران» برگزار شد

کنگره دوم «جبهه ملی ایران» در هفته اول ماه ژوئن در آمریکا برگزار گردید. در این کنگره مسائل متعددی مورد بحث قرار گرفت که از آن میان دو موضوع در مرکز توجه قرار داشت: موضوع اتخاذ سیاست در قبال حکومت جمهوری اسلامی ایران و به ویژه دولت خاتمی و نیز موضوع تعیین سیاست نسبت به سایر نیروهای سیاسی کشور. در موضوع خط‌مشی دو نظر متفاوت در میان سخن‌رانان به چشم می‌خورد. برخی روی اهمیت تحولی که با انتخاب خاتمی در اوضاع کشور پدید آمده پیش‌تر تاکید داشتند و برخی دیگر وضع موجود و چشم‌انداز آتی را هم‌چنان حاصل درآمیزی دین و دولت ارزیابی کرده و بر ضرورت پایان دادن به این وضع تاکید داشتند. گرچه هنوز فرمول‌بندی نهایی که تدوین آن بر عهده هیئت اجرایی «جبهه ملی ایران» در آمریکا گذاشته شده است، انتشار نیافته اما در رای‌گیری‌ها در کنگره پذیرفته شد که در منشور «جبهه ملی» در آمریکا تصریح شود که «جبهه ملی» از شیوهی مبارزات مسالمت آمیز پیروی می‌کند. در رای‌گیری‌ها تصویب شد که خواسته‌ها و شعارهای تاکتیکی که هدف آن بازکردن راه برای تحولات دموکراتیک است توسط هیئت اجرایی تدوین و راهنمای عمل قرار گیرد.

کنگره در زمینه پیش‌نهادهای همکاری که از سوی سازمان ما و دفتر هم‌آهنگی جمهوری خواهان دموکرات و سایر جریان‌های آزادی‌خواه مطرح شده بود تصویب کرد که برای برقراری ارتباط با سایر نیروهای سیاسی در دستگاه رهبری «جبهه ملی» مسئولین معین تعیین شوند و کمیسیون روابط با سایر احزاب و سازمان‌ها تشکیل شود در پارهی این موضوع که «جبهه ملی» محل شکل احزاب ملی و آزادی‌خواه است و یا فقط از افرادی که عضو «جبهه ملی» هستند تشکیل شده است در کنگره بحث مفصلی صورت گرفت و در پایان قرار شد اشکال مختلف همکاری با سایر سازمان‌ها توسط هیئت اجرایی و با همکاری سایر سازمان‌های دموکراتیک مورد بحث و تصمیم‌گیری مشترک قرار بگیرد. کامبیز قائم مقام، خسرو قدیری، امیر هوشمند، شهرام فیلاتاش و بهروز آذرنوش به‌عنوان اعضای هیئت اجرایی انتخاب گردیدند. رفیق نسرخ نگهبان از

طرف‌شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، آقای مصدق کاتوزیان نماینده سازمان جمهوری‌خواهان ملی ایران و نماینده حزب دموکراتیک مردم ایران به‌عنوان مهمان در کنگره شرکت داشتند و پیام‌های رهبری سازمان‌های مربوطه خویش را قرائت نمودند. در بخش‌هایی از پیام شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به دومین کنگره «جبهه ملی» آمده است: اکنون یک‌سال پس از دوم خرداد، بیست سال پس از انقلاب بهمن، نیم قرن بعد از تشکیل «جبهه ملی ایران» و نودسال پس از فتح تهران و پیروزی مشروطه، کشور ما بار دیگر در مسیر تحول دموکراتیک گام می‌گذارد. در پرتو مبارزه‌ای که قدمت آن اکنون سه بار سقف یک قرن می‌ساید و علی‌رغم همه تلاش‌های استبداد و ارتجاع کشور ما ایران به مرحله‌ای از رشد رسیده‌است که دیگر نمی‌توان به زور شمشیر یا به اتکای سازمان پلیس سیاسی آن را اداره کرد. یک معنای بزرگ بیست میلیون رای به آقای خاتمی این بود که در این کشور اکثریت مردم می‌خواهند و می‌گویند برای سرنوشت کشور خویش خود تصمیم بگیرند. آن‌ها دیگر اجازه نمی‌دهند که خودکامگان به زور اسلحه و پلیس بر آنان حکومت کنند. ما به وضوح می‌بینیم که نیروهای سرکوبگر در درون سیستم حاکم بر ایران در برابر مطالبه و فشار بسیار نیرومند اجتماعی تاب مقاومت خود را از دست می‌دهند و گام به گام عقب می‌کشند. زمان آن است که دو نهضت چپ و ملی ایران در راه آرمان‌های مشترک در راه جمهوری‌ت و مردم‌سالاری که مساله امروزی کشور ماست دست‌یکدیگر را بگیرند. مشخص‌ترین گوییم: زمان آن است که سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و «جبهه ملی ایران» در راه تاسیس نهادی مشترک «نهادی که بتواند راه اتحاد با دیگر اجزای نهضت ملی دموکراتیک ایران را هموار کند» گام‌های عملی بردارند. یک پایه فکری مناسب در این راستا (البته از نظر شورای مرکزی سازمان ما) منشور همکاری سه سازمان است.

ما در روند فعلی هدف عاجل خود را مبارزه در راه برداشتن موانع فعالیت آزادانه و طرف‌شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، آقای مصدق کاتوزیان نماینده سازمان جمهوری‌خواهان ملی ایران و نماینده حزب دموکراتیک مردم ایران به‌عنوان مهمان در کنگره شرکت داشتند و پیام‌های رهبری سازمان‌های مربوطه خویش را قرائت نمودند. در بخش‌هایی از پیام شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) به دومین کنگره «جبهه ملی» آمده است: اکنون یک‌سال پس از دوم خرداد، بیست سال پس از انقلاب بهمن، نیم قرن بعد از تشکیل «جبهه ملی ایران» و نودسال پس از فتح تهران و پیروزی مشروطه، کشور ما بار دیگر در مسیر تحول دموکراتیک گام می‌گذارد. در پرتو مبارزه‌ای که قدمت آن اکنون سه بار سقف یک قرن می‌ساید و علی‌رغم همه تلاش‌های استبداد و ارتجاع کشور ما ایران به مرحله‌ای از رشد رسیده‌است که دیگر نمی‌توان به زور شمشیر یا به اتکای سازمان پلیس سیاسی آن را اداره کرد. یک معنای بزرگ بیست میلیون رای به آقای خاتمی این بود که در این کشور اکثریت مردم می‌خواهند و می‌گویند برای سرنوشت کشور خویش خود تصمیم بگیرند. آن‌ها دیگر اجازه نمی‌دهند که خودکامگان به زور اسلحه و پلیس بر آنان حکومت کنند. ما به وضوح می‌بینیم که نیروهای سرکوبگر در درون سیستم حاکم بر ایران در برابر مطالبه و فشار بسیار نیرومند اجتماعی تاب مقاومت خود را از دست می‌دهند و گام به گام عقب می‌کشند. زمان آن است که دو نهضت چپ و ملی ایران در راه آرمان‌های مشترک در راه جمهوری‌ت و مردم‌سالاری که مساله امروزی کشور ماست دست‌یکدیگر را بگیرند. مشخص‌ترین گوییم: زمان آن است که سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) و «جبهه ملی ایران» در راه تاسیس نهادی مشترک «نهادی که بتواند راه اتحاد با دیگر اجزای نهضت ملی دموکراتیک ایران را هموار کند» گام‌های عملی بردارند. یک پایه فکری مناسب در این راستا (البته از نظر شورای مرکزی سازمان ما) منشور همکاری سه سازمان است.

مسالمت‌آمیز همه احزاب سیاسی در کشور قرار داده‌ایم. «جبهه ملی ایران» نیز چه در داخل و چه در خارج این خواسته را مطرح و پی‌گیری می‌کند. سایر شاخه‌های نهضت ما نیز در این خواسته مشترک‌اند. بسیاری از اصلاح طلبان اسلامی نیز با این خواسته اکنون هم‌سوئی نشان می‌دهند. شورای مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) بر این نظر است که برآمد مشترک و هم‌آهنگ همه نیروهای دموکراتیک و سازمان‌دهی اقدامات فوری و معین در راستای تأمین فعالیت آزادانه در داخل کشور، از آن‌جا که هم با فضای سیاسی رو به گسترش جامعه ما سازگار است و هم با نیاز مردم آن هم‌سو است و هم نیروی کافی حول این خواسته بسیج شده‌است می‌تواند و می‌باید به پیش رانده شود. از این رو بسیار مفید و به موقع خواهد بود هرگاه در این عرصه همکاری‌های عملی و مشخص بین ما آغاز گردد.

نمایندگان فداییان خلق (اکثریت) در کنگره حزب محیط زیست سوئد

آرا را تصاحب کرد. در برنامه انتخاباتی سه اصل مهم برای ائتلاف‌های احتمالی برای تشکیل دولت و ۲۹ مورد خواست به تصویب کنگره این حزب رسید.

این اصول عبارتند از: «وضع مالیات‌ها هزینه‌ها، سوسیدها و سرمایه‌گذاری به نفع محیط زیست و آینده‌ای مطمئن برای کودکان و نسل‌های آتی» «کاهش شکاف طبقاتی و اجتماعی و افزایش برابری و عدالت اجتماعی» «سوند در عرصه بین‌المللی باید برای جهانی همبسته که در آن بازار و شرکت‌های چندملیتی به نفع قوانین دموکراسی و محیط زیست و فعالیت‌ها اجتماعی مهار گردند. عمل کند.

از جمله ۲۹ موارد خواسته‌ها: «کاهش ساعات کار به ۳۵ ساعت در هفته» «افزایش سرمایه‌گذاری در بخش مدارس و خدمات درمانی و کاهش سرمایه‌گذاری در بخش مدارس و خدمات درمانی و کاهش سرمایه‌گذاری در بخش نظامی و برای بوروکرات‌های اتحادیه اروپا و آسمان‌خراش سازی»

کنگره حزب محیط زیست (سبزها) حدود ۶۰۰ نماینده از سراسر سوئد شرکت داشتند. درصد بالایی از نمایندگان را جوان‌ها تشکیل می‌دهند و همچنین تعداد زنان شرکت‌کننده چشمگیر بود. حزب محیط زیست، سیاست مثبتی در قبال مهاجرین و پناهندگان دارد و اخیراً تعدادی از مهاجرین فعال از جمله ایرانی‌تبار به این حزب پیوسته‌اند.

مهمترین بحث در کنگره این حزب مربوط به چگونگی مبارزه برای خروج سوئد از اتحادیه اروپا و تحریم یا عدم تحریم انتخابات ویزه سال ۹۹ برای انتخاب نمایندگان سوئد در آن (حزب محیط زیست و حزب چپ سوئد از مخالفین سرخست اتحادیه اروپا می‌باشند) و نوع پلاتفرم و تاکتیک ائتلاف احتمالی برای انتخابات پارلمان، کمپنها و استانداری‌های سوئد که در نیمه سپتامبر امسال برگزار می‌شود، بود. این حزب یکی از ۷ حزب پارلمان سوئد است و در انتخابات سال ۱۹۹۴ پنج درصد

برخی پیام‌ها به کنگره

- ۱- «جبهه ملی» خواستار برقراری حاکمیت ملی و دموکراسی ناشی از اراده مردم ایران است.
- ۲- «جبهه ملی» برای تحقق آزادی‌های فردی و اجتماعی مردم ایران که از انقلاب مشروطه تا به حال برای نیل به این حقوق مسلم راهی سخت و طولانی طی شده و آن چنان‌که در اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است مبارزه می‌کند.
- ۳- «جبهه ملی» معتقد به آزادی ادیان و عقاید دین و ایدئولوژی در ساختار حکومتی است.
- ۴- «جبهه ملی» از فرهنگ پویا، تجددخواهی و بسط جامعه مدنی در ایران حمایت می‌کند و در راه تحقق رفاه عمومی و عدالت اجتماعی تلاش می‌نماید.
- ۵- «جبهه ملی» صریحاً برابری حقوق زنان و مردان را اعلام می‌دارد و مصممانه در بازگرداندن آزادی‌های از دست رفته ایشان پایداری می‌کند.
- ۶- «جبهه ملی» از حقوق اقلیت‌های قومی در ایران دفاع می‌نماید.
- ۷- «جبهه ملی» دفاع از مرزهای شناخته شده و تمامیت ارضی کشور ایران را از اهداف اصلی خود اعلام می‌دارد. □

مدیر مسئول

روزنامه زنان... ادامه از صفحه ۳

گفت: موضوعات نامبرده مطلقاً کذب و محض و ساخته ذهنیات ایشان است. مقاله مورد بحث، مقاله‌ای است که موضوع فمینیسم (جنبش زنان) را با شیوه علمی مطرح کرده و مطالبی علمی است با لحنی خشک و با دیسیدی جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه و گزارش می‌دهد که همجنس‌گرایی چیزی نیست که زاییده جنبش زنان باشد.

هیات منصفه، پس از شنیدن دفاعیات مدیر مسئول زنان او را مجرم تشخیص نداد و رای بر برائت داد. □

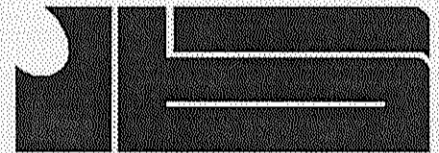
اعتراض نیروهای اپوزیسیون به حکم تعطیل «جامعه»

رویداد دوم خرداد به اجبار و در شرایط حضور سیاسی ده‌ها میلیونی مردم به نتایج انتخابات تن داده بود، با این هدف که در سر فرصت و طی یک کودتای خزنده آب رفته را به جوی بازگرداند، اکنون پس از افشا و شکست این طرح در افکار عمومی جامعه، آشکارا به خشونت سیاسی و حتی پیش‌بینی و تدارک اقدام نظامی روی آورده است. نیاز به تاکید نیست که ساختار سیاسی جامعه ما تا چه حد تشنه تحولات دموکراتیک با روندی مسالمت‌آمیز و مردم‌محور تا چه حد خواهان گشایش فضای فرهنگی و سیاسی در محیطی عاری از تنش‌های ایجاد شده توسط تهدیدگران آزادی هستند. برای پاسخ به چنین نیازی باید آن

حوادث تازه‌ای است و در این میان وظیفه همه ما، تبعیدیان است. که در اعتراض و افشاگری، پشتیبان بسی‌دیخ مردم در دستیابی به آزادی و دموکراسی باشیم. پس صدای اعتراض خویش را رسا و رساتر به گوش جهانیان برسانیم. افشا کنیم رژیم را که برای «گردن‌زدن» شمشیر از نیام برکشیده است.

● کانون نویسندگان ایران (در تبعید): خبرگزاری‌ها امروز در شرایطی خیر از توقیف روزنامه «جامعه» می‌دهند که دو هفته پیش فرمانده کل سپاه پاسداران رژیم با صراحت تمام سخن از «شمشیر» و «گردن‌زدن» و «قطع کردن زبان» گفته بود و در جواب اعتراض روزنامه‌نگاران و مردم آزادخواه، بی‌پروا از گذشته، اعلام داشت که «ما در عین حال دست آنان را باز گذاشته‌ایم» تا گروه و روزنامه درست کنند و ما سر بسزنگاه به سراغشان می‌رویم... زمانش که برسد میوه را می‌چنیم.

آیا دور جدیدی از قلع و قمع و سرکوب آغاز می‌شود؟ آیا ارتجاع حاکم یورش خود را گسترش خواهد داد؟ آنچه معلوم است این است که ایران آبدستن



چهارشنبه ۳ تیر ۱۳۷۷ - ۲۴ ژوئن ۱۹۹۸ دوره سوم - شماره ۱۸۵
KAR. No. 185 Wednesday 24. June. 1998
G 21170 D

«کار» ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می‌شود

شماره فاکس: ۳۳۱ ۸۲ ۹۰ - ۲۲۱ - ۰۰۴۹ Fax:

شماره تلفن: ۹۳۲۲۱۳۶ - ۲۲۱ - ۰۰۴۹

http://www.geocities.com/CapitolHill/2902

آدرس گار در اینترنت: fadai.aksariyat@magnet.at

تک فروشی: معادل ۳ مارک آلمان
بهای اشتراک:

اروپا: شش ماه ۴۵ مارک؛ یک ساله ۹۰ مارک

سایر کشورها: شش ماهه ۵۲ مارک؛ یک ساله ۱۰۴ مارک

Verleger: I.G.e.v

I.G.e.v آدرس:

Postfach 260268

50515 Köln

Germany

I.G.e.v آدرس:

22 44 20 32

37 05 01 98

Stadtsparkasse Köln

Germany

بالکان آرام نمی‌گیرد

نمی‌کنند و بدین ترتیب، موضع آمریکا را دارند. انگیزه‌های این گروه نیز متعدد است. برخی از آنها همان انگیزه‌های آمریکا را

منطقه بالکان که از آغاز دهه ۹۰ تا سال گذشته، نخست به علت بحران منجر به تجزیه یوگسلاوی و سپس به دلیل جنگ داخلی بوسنی، در مرکز توجه جهان قرار داشت، بار دیگر صدر اخبار بین‌المللی را به خود اختصاص داده است. این بار، یک بحران داخلی صربستان

و ثالثاً گوسزد کردن مجدد این نکته به اروپایی‌ها که چقدر بی‌کفایتند و حتی از عهده یک دولت کوچک سرکش در



است که ناآرامی را به بالکان باز می‌گرداند. سناریو، مثل همیشه است. ناتو در هیأت صرب‌ها، دشمن خود را باز یافته و آمریکا در مقام کلانتر جهان، می‌خواهد ماشین جنگی خود را به حرکت درآورد. اقلیت آلبانی تبار منطقه کوزوو صربستان که تا چندی پیش کمتر کسی در غرب، او را مستحق توجه می‌دانست، به یک باره ممکن است پای ناتو را به جنگی دیگر یکشانند. اهداف آمریکا از تدارک نظامی برای مداخله در بحران کوزوو از این قرارند: اولاً، اثبات مجدد این ادعا که در جهان کسی بدون اجازه واشنگتن حق ندارد قدرتی کند، ثانیاً گوشمالی دادن به ناسیونالیسم صرب که به حمایت روسیه پشت‌گرم است و از این طریق، ضرب شصت نشان دادن به روسیه که از نظر آمریکا، هفت سال پس از فروپاشی شوروی هنوز یک عامل بسیار نامطمئن در سیاست جهانی است، همسایگی خود بر نمی‌آیند، بنابراین کماکان نیازمند قیومیت نظامی ایالات متحده‌اند. اروپایی‌ها در قبال بحران کوزوو مانند بسیاری از موارد دیگر، سیاست یکپارچه‌ای ندارند. از سوی، وزرای خارجه اتحادیه اروپا تصویب کرده‌اند که مداخله ناتو در صربستان نیازمند تصویب شورای امنیت سازمان ملل متحد است، و بدین ترتیب با توجه به حق وتوی روسیه در این شورا، عملاً چنین مداخله‌ای را مستثنی نموده‌اند. اتخاذ این موضع، احتمالاً بازتاب عدم تمایل به قدر قدرتی نظامی آمریکا در اروپا از یک سو، و تلاش برای تیره نشدن روابط با روسیه از سوی دیگر است. اما در صربستان وزرای خارجه اروپایی، هستند مقامات دیگری در کشورهای اروپایی که مانند وزیر دفاع آلمان، مداخله در کوزوو را منوط به تصویب قطعنامه‌ای در شورای امنیت

در مقابل با ناسیونالیسم صرب به نمایندگی از سوی ناسیونالیسم روس را دارند، و برخی دیگر تشنه بحران‌اند تا ببینند ماشین نظامی خودشان تا چه حد در چنین بحران‌هایی کارایی دارد. صرف نظر از انگیزه دولت روسیه در مذاکراتی که هفته گذشته با رئیس‌جمهور صربستان در مسکو داشته است، بدین منظور، روسیه به موضوعی که مسکو در این بحران دارد، در مجموع مثبت و متوجه جلوگیری از گسترش بحران است. بدین منظور، روسیه به صربستان فشار آورده است تا با دادن امتیازاتی به اقلیت آلبانی کوزوو، بهانه را از آمریکا بگیرد. تا آنجا که به اوضاع داخلی خود صربستان مربوط می‌شود، آشکار است که نقض حقوق ملی آلبانی‌های کوزوو از دیروز آغاز نشده است. سال‌هاست که اقلیت آلبانی این منطقه علیه پایمال شدن حقوق خود توسط دولت

که بار دیگر صبر کرده است تا بحران به سر حد جنگ برسد تا بتواند از طرق نظامی مداخله کند. این امکان وجود داشت که پیش از آنکه سلاح‌ها در کوزوو شلیک کنند، از طریق فشار سیاسی و دیپلماتیک و در نهایت فشار اقتصادی، صربستان وادار به اتخاذ سیاستی دیگر در کوزوو گردد. اکنون مداخله نظامی در کوزوو، نه تنها مسائل اقلیت آلبانی این منطقه را حل نخواهد کرد، بلکه بر تقار ملی و کینه‌های بالکان است، خواهد افزود، ناسیونالیسم صرب را در دشمنی با هر آنچه غیر صرب در بالکان وجود دارد، مضمّن تر خواهد کرد و گره تاریخی دیگری بر گره‌های این منطقه مصیبت‌دیده اضافه خواهد کرد.

در حاشیه اخبار مربوط به کوزوو این خبر نیز انتشار یافت که یکی از فرماندهان سپاه

نیجریه در راه غلبه بر دیکتاتوری؟

توافق دولت عراق با سازمان ملل

رئیس هیات بازرسان سازمان ملل متحد پس از دیدار با طارق عزیز: در انتهای تونل، نور پدیدار شده است.

در هفته گذشته ریچارد باتلر رئیس هیات بازرسان سازمان ملل که مأمور یافتن سلاح‌های کشتار جمعی عراق‌اند، و طارق عزیز معاون نخست‌وزیر عراق توافق کردند که ظرف دو ماه همه موانعی را که هنوز به عنوان علل عدم لغو تحریم‌های اقتصادی علیه عراق مطرح می‌شوند، برطرف کنند. دولت عراق با همه خواست‌های باتلر موافقت کرد و باتلر پس از دیدار با طارق عزیز گفت در انتهای تونل، نور پدیدار شده است. قرار است در روز نهم اوت (۱۸ مرداد) طارق عزیز و ریچارد باتلر بار دیگر دیدار کنند و ببینند در مورد مسائل باقی‌مانده، تا چه حد پیشرفت حاصل شده است. آمریکا هفت سال است که به بهانه سلاح‌های کشتار جمعی عراق، از لغو تحریم‌های اقتصادی علیه این کشور جلوگیری می‌کند. در این هفت سال، مردم عراق قربانیان اصلی این تحریم‌ها بوده‌اند. تحریم‌ها نه رژیم صدام را متزلزل و نه منطقه خاورمیانه را امن‌تر کرده است. هیچ یک از ناظران جدی، حتی ناظران آمریکایی، اعتقاد

کنفرانس رم برای تشکیل یک دادگاه بین‌المللی

از هفته گذشته کنفرانسی در رم بر پا شد تا امکانات تشکیل یک دادگاه بین‌المللی را محکمه جهانی را بررسی کند که باید در مورد جنایات علیه بشریت، به قضاوت بپردازد. نمایندگان از ۱۸۷ کشور جهان در این کنفرانس شرکت دارند. کمیسیون حقوق سازمان ملل طرحی در ۱۱۶ ماده و ۱۷۰۰ تبصره به این کنفرانس ارائه داده است. کشورهای اروپایی و بیش از همه کشورهای اسکاندیناوی، از تشکیل چنین ارگانی حمایت می‌کنند. کشورهای کانادا، ژلاند نو و استرالیا نیز از جمله کشورهای حامی تشکیل این دادگاه بین‌المللی هستند. در مقابل، کشورهای اسلامی به طور فعالانه‌ای علیه شکل‌گیری آن فعالیت می‌کنند. چین و تا حدودی روسیه نیز، در صف مخالفان قرار دارند. آمریکا و فرانسه اعلام کرده‌اند در عین حال که از نظر اصولی مخالف تشکیل این دادگاه بین‌المللی نیستند، ولی می‌خواهند برداشت و نظرات خود را در این زمینه مبنا قرار دهند. نماینده آمریکا، دیوید شفر، با تقاضای برخی کشورها در جهت گنجاندن ممنوعیت سلاح‌های هسته‌ای در برنامه کار مخالفت کرد. مشکل دیگر این نهاد، مسأله تامین مالی و کار پایه قضاوت در آن است. روابط حقوقی بین دولت‌ها، یکی دیگر از موارد مورد مباحثه در کنفرانس را تشکیل می‌دهد. بحث دیگری نیز در کنفرانس به میان آمده است که این دادگاه در صورتی تشکیل شود که نهاد قضایی کشور مورد نظر نتواند وظایف خود را انجام دهد، مانند حالت زمان جنگ، و یا نخواهد به وظایف خود عمل کند، مانند مورد صرب‌ها. از

اعتراضات مجدد در اندونزی

هفته گذشته در سه شهر اندونزی بار دیگر مردم در خیابان‌ها دست به اعتراض زدند. این تظاهرات به خشونت کشیده شد. شهر تگسال در ۳۰۰ کیلومتری شرق جاکارتا پایتخت الجزایر در روز سه‌شنبه ۲۶ خرداد شاهد تظاهراتی بود که طی آن چندین وسیله نقلیه به آتش کشیده شد و به مغازه‌ها و بانک‌ها آسیب وارد آمد. در سیانجور واقع در ۸۰ کیلومتری جنوب جاکارتا نیز وقایع مشابهی روی داد. در این شهر، ۱۵ هزار نفر شرکت در تظاهرات، خواهان برکناری فرمانده منطقه شدند. در توبان واقع در ۶۰۰ کیلومتری شرق جاکارتا نیز اعتراضات خشونت‌باری علیه مقامات محلی صورت گرفت. برهان‌الدین یوسف حبیبی جانشین سواراتو دیکتاتور مستعفی اندونزی، وعده داده است که در سال آینده، انتخابات ریاست جمهوری در این کشور برگزار خواهد شد. امین ریس رهبر جنبش اسلامی محمدیه اندونزی که از یک سو به عنوان یک چهره اپوزیسیون شناخته شده است و از سوی دیگر، روابط دوستانه‌ای با حبیبی دارد، اعلام کرده است که در این

بین‌المللی برای جلوگیری از تولید و گسترش سلاح‌های جمعی نیست. اما اولاً باید این کنترل در مورد همه دولت‌هایی صورت گیرد که در این راستا فعالند، و ثانیاً باید میان نتایج مؤثر بازرسی‌ها و بهایی که برای آن پرداخته می‌شود، تناسبی وجود داشته باشد. در مورد عراق، این تناسب مدت‌هاست که وجود ندارد. تحت فشار آمریکا، مردم عراق بهای سنگینی را برای ادامه بازرسی‌هایی پرداخته‌اند که سال‌هاست دیگر نتیجه مؤثری ندارند. انگیزه آمریکا در این اصراری که در تمدید تحریم‌ها علیه عراق به خرج می‌دهد، صرفاً تحکیم حضور خود در منطقه است. در مقابل، حداقل دو عضو دائمی شورای امنیت، یعنی روسیه و فرانسه، اکنون خواهان لغو یا حداقل تخفیف تحریم‌ها هستند. صرف نظر از نیت این دو دولت، که آنها نیز در پی به دست آوردن نفوذ بیشتر در عراق و خاورمیانه‌اند، لغو تحریم‌ها خواست مردم عراق است که باید مورد حمایت بین‌المللی قرار گیرد.